



University of Tehran Press

Comparative Study of Consumer Protection Rights Relating to Preauthorized Debits, in Iranian and American Legal Systems

Mohammadamin Fasihzadeh¹ | Alireza Fasihzadeh^{2✉} | Hassan Paktinat³
Mojtaba Nikdousti⁴

1. Department of Private Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: mfasihzade@gmail.com
2. Corresponding Author; Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: fasihzadeh@ase.ui.ac.ir
3. Department of Law, Faculty of Law and Humanities, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: paktinat.hasan@yahoo.com
4. Department of Law, Faculty of Law and Humanities, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: dr.mojtabanikdoosti@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/04/29</p> <p>Received in revised form: 2023/09/10</p> <p>Accepted: 2023/09/12</p> <p>Published online: 2023/12/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Adhesion contract, Consumer protection rights, Direct Debit, Electronic funds transfer, Electronic signature, Preauthorized debit.</i></p>	<p>The development and facilitation of new payment manners for transactions according to the current business requirements is an integral part of economic dynamics and it is closely related to the banking laws. Preauthorized debit, also known as Direct Debit, is one of the most common banking payment methods available to users worldwide, especially in case of recurring transfers. Its flexibility and safety are grounded in the agreement between the account holder and the beneficiary, who is mostly the creditor. A contract of adhesion applies to the case in many ways, and the account holder (the consumer of goods and services) as the weaker party should be legally supported. However, the lack of comprehensive regulations to specify the parties' framework of rights and duties, especially concerning the adhesive nature of this type of contract, is what has to a great extent slowed down the use of this common and widely used method in internal transactions. With the development of the internet banking system, a specific regulation has been introduced into the American legal system to support holders of consumer bank accounts against beneficiaries who are mainly vendors. Since these rules conform to the Iranian law in many ways, studying them can be constructive. Therefore, the present paper attempted to analyze the most important aspects of this issue in both legal systems.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Fasihzadeh, Mohammadamin; Fasihzadeh, Alireza; Paktinat, Hassan; Nikdousti, Mojtaba (2023). Comparative Study of Consumer Protection Rights Relating to Preauthorized Debits, in Iranian and American Legal Systems. <i>Comparative Law Review</i>, 14 (2), 883-911. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356146.634481</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JCL.2023.356146.634481</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۴، شماره: ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

مطالعه تطبیقی حقوق مصرف کننده راجع به برداشت مستقیم بانکی در ایران و آمریکا

محمد امین فصیحی زاده^۱ | علیرضا فصیحی زاده^۲ | احسن پاکطینت^۳ | مجتبی نیکدوستی^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه: mfasihzade@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: fasihzadeh@ase.ui.ac.ir

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه: paktinat.hasan@yahoo.com

۴. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه: dr.mojtabanikdoosti@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: امضای الکترونیکی، انتقال الکترونیکی وجوه، برداشت مستقیم، حقوق مصرف کننده، عقد الحاقی، مجوز انتقال بدهی از پیش تأیید شده.</p>	<p>توسعه شیوه‌های نوین پرداخت در معاملات و تسهیل و تنوع در آنها به تبع نیازهای موجود، از لوازم غیرقابل انکار پویایی کسب‌وکارها است که ارتباط تنگاتنگی با حقوق تجاری و بانکی دارد. برداشت مستقیم نیز که از روش‌های متداول پرداخت در دنیا به‌خصوص در موارد انتقال بدهی مکرر است، از همین قسم محسوب می‌شود و به‌تازگی نیز در کشورمان مقدمات اجرایی آن در حال فراهم شدن است. انعطاف و امنیت زیاد این روش بر قرارداد میان صاحب‌حساب و ذی‌نفع، نوعاً دائن استوار است. آنچه تا حدود زیادی رشد استفاده از این شیوه متداول و پرکاربرد در دنیا را در روابط معاملاتی داخلی با کندی مواجه می‌سازد، فقدان مقررات جامع جهت تعیین حقوق و تکالیف طرفین آن خصوصاً با توجه به ویژگی الحاقی بودن قرارداد مبنای آن در عمده کاربردها است. با این حال، در نظام حقوقی آمریکا و با توسعه بانکداری مخصوصاً برخط، مقررات ویژه‌ای جهت حمایت از صاحبان حساب مصرف‌کننده در برابر ذی‌نفعان که عمدتاً ارائه‌کنندگان کالا و خدمات هستند تدوین گردیده که با مقررات حمایتی موجود در حقوق ایران، قابل تطبیق و از برخی جهات همخوان است و مطالعه آن می‌تواند از جهات مختلفی راهگشا باشد. با وجود قرابت مقررات حمایتی حقوق ایران با حقوق آمریکا در برخی از جنبه‌های موضوع حاضر همچون لزوم ارسال اعلامیه وضعیت پرداخت، اختلافاتی مانند رضایی بودن قرارداد برداشت مستقیم در ایران و امکان انعقاد آن به صورت شفاهی و یا به شیوه‌های دیگر به‌چشم می‌خورد. غالباً ایجاب و قبول در این روش به نحو الکترونیکی و از راه دور رخ می‌دهد؛ از این رو، شرایطی برای سهولت اثبات قرارداد در مقررات داخلی تعیین شده است. علاوه بر این، تفکیک میان امکان توقف پرداخت و فسخ قرارداد اصلی، از مباحثی است که در هر دو نظام حقوقی مورد توجه است.</p>
<p>استناد</p> <p>فصیحی‌زاده، محمد امین؛ فصیحی‌زاده، علیرضا؛ پاکطینت، حسین؛ نیکدوستی، مجتبی (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی حقوق مصرف کننده راجع به برداشت مستقیم بانکی در ایران و آمریکا. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۴ (۲)، ۸۸۳-۹۱۱.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356146.634481</p>	
<p>DOI</p> <p>10.22059/JCL.2023.356146.634481</p>	
<p>ناشر</p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



۱. مقدمه

برداشت مستقیم، شیوه‌ای نوین در پرداخت‌های بانکی مبتنی بر انتقال بدهی^۱ است که به علت انعطاف و تنوع موارد کاربرد (Liébana-Cabanillas et al, 2014: 146) و نیز امنیت مناسب نسبت به روش‌های مشابه موجود، در بسیاری از ساختارهای بانکی توسعه یافته دنیا و اخیراً نیز تاحدودی در کشور ما رایج شده است. این شیوه بر قراردادی میان صاحب‌حساب و ذی‌نفع پرداخت مبتنی است که بر اساس آن، وی که می‌تواند ارائه‌کننده خدمات یا فروشنده کالاها باشد این امکان را می‌یابد که مطابق توافق، مبالغی معین یا نامعین را به صورت مستمر و یا متناوب از حساب برداشت نماید. این قرارداد می‌تواند جایگزین خوبی برای پرداخت هزینه‌های اشتراک انواع خدمات ارزش افزوده و قبوض عمومی خدمات برق، آب، گاز، تلفن و یا اجاره‌بهایی اماکن مسکونی و تجاری و اداری یا پرداخت اقساط بانکی و مانند آن باشد. همچنین، در بسیاری از مواقع، این قرارداد می‌تواند نیاز ما را در مواردی برطرف کند که صدور چک و مشکلات ناشی از عدم پرداخت آن (Geva, 2015: 97-98) مانعی بر سر راه تسهیل اجرای معاملات است و یا در مواردی که مبلغ دین از قبل مشخص نبوده و مدت‌دار است و چک و سایر روش‌های پرداخت وعده‌دار همچون سفته و کارت اعتباری بانکی نیز به حد مطلوب مفید واقع نگردد.

قرارداد برداشت مستقیم را با توجه به آنکه عمدتاً از سوی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و یا طرف معامله با توان چانه‌زنی بالاتر ارائه می‌گردد، در صورت عدم کفایت مذاکرات پیش‌قراردادی و تعیین دقیق شروط قرارداد، می‌توان در زمره عقود الحاقی دانست و از آنجا که تأمین آزادی اراده و در عین حال، برابری طرفین قرارداد مطلوب به‌شمار می‌آید، لازم است منافع طرفی که در تعیین شروط قرارداد نقش چندانی ندارد نیز مورد توجه قرار گیرد و در تفسیر قرارداد، این مورد لحاظ گردد. با این حال، مناسب‌تر آن است که مقام ناظر و مسئول وضع قوانین با تدوین مقرراتی خاص، ضمن در نظر گرفتن حقوق و تکالیف هر دو طرف، از منافذ آسیب طرف مصرف‌کننده بکاهند و از این جهت از وی حمایت به‌عمل آورند. اما با وجود مزایای عملی بسیار در ایران، یکی از موارد عدم گسترش آن، نبود مقررات متناسب و توجه به ماهیت قرارداد مبنا و دستور پرداخت مبتنی بر آن است.

با گسترش و تنوع تجارت الکترونیکی و نیازهای مالی کسب‌وکارها، مدل و روش‌های سنتی یا به‌روز نشده خدمات بانکی، خصوصاً در زمینه انتقال وجوه و پرداخت‌های نوین می‌تواند مشکلات و موانعی را بر سر پویش روان معاملات پرتکرار و هماهنگی سلیقه بازرگان و مصرف‌کننده به‌همراه داشته باشد (دارابپور، ۱۴۰۲: ۷۴). چنین اشکالی علاوه بر ضعف ساختارها می‌تواند ناشی از عدم آشنایی کافی برنامه‌ریزان نظام بانکی و یا صاحبان کسب‌وکار دخیل با امکانات موجود باشد. همان‌گونه که با وجود شبکه پایا و تعبیه دو

۱. مراد «انتقال وجه از نوع بدهی» است؛ نه «انتقال طلب» یا «انتقال دین».

شکل پرداخت واریز و برداشت مستقیم در آن، از قابلیت‌های «برداشت مستقیم» عملاً استفاده مناسبی نمی‌شود و در موارد نیاز به یک روش پرداخت الکترونیک بدهی منعطف، آنجا که به‌خوبی می‌توان از آن بهره گرفت، واریز مستقیم، انواع پرداخت‌های کارتی، پرداخت از کیف پول بدون امکان شارژ بی‌واسطه و حتی روش‌های خلق‌الساعه همچون «افتتاح حساب و کالتی» جایگزین آن می‌شود؛ تاجایی که حتی در قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷) هم از فرصتی یک‌ساله برای فراهم کردن ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم به صورت چک موردی برای اشخاص فاقد دسته‌چک سخن به‌میان آمده است. لذا، شناخت بهتر مقررات موجود و نقاط قوت آن و یا موانع رشد برداشت مستقیم می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آینده راجع به آن مؤثر واقع شود؛ ضمن آنکه اهمیت موضوع را بهتر نمایان خواهد ساخت. در کشور آمریکا با توجه به سابقه طولانی وجود خدمات بانکی و توسعه بانکداری الکترونیکی و وضع مقررات حمایتی راجع به حقوق مصرف‌کنندگان در این امور (Scott, 1985: 1870)، از جمله قانون انتقال الکترونیکی وجوه^۱ (مصوب ۱۹۷۸) و اعمال و به‌روزرسانی آن از طریق مقررات E^۲ ابتدائاً از سوی فدرال رزرو^۳ و پس از آن از طریق دفتر حمایت از مصرف‌کنندگان در امور مالی^۴، و در کنار آن، قواعد عملکردی نچا، به‌عنوان مدیریت پایاپای بانکی و اداره بازوی اجرایی پرداخت‌های پیش‌مجوز^۵، خلأ خاصی در ارتباط با حمایت از مصرف‌کنندگان در خدمات برداشت مستقیم به‌چشم نمی‌خورد و مطالعه ویژه موارد یادشده می‌تواند در حقوق ما نیز راهگشا باشد. هرچند در کشور ما نیز به صورت کلی احکامی تحت دو قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان (خندانی، ۱۳۸۵: ۲۵۸) خدمات بانکی وضع شده و دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه مصوب ۳۰ آبان ۱۳۸۵^۶ ابلاغی اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی به‌عنوان تنها مجموعه مقررات راجع به پرداخت‌های بانکی، با وجود نیاز به به‌روزرسانی و بازنویسی، اصولی کلی را مطرح نموده است، با این وصف، نیاز به مقررات خاص حمایتی مصرف‌کنندگان و به‌ویژه در باب انواع پرداخت‌های مستقیم^۷ به‌خوبی احساس می‌شود؛ همان‌سان که مواد ۳ و ۶ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان^۸ بر شفافیت اطلاعات مربوط به پیش از مصرف کالا و خدمات و نیز امور بانکی تأکید

1. Electronic Fund Transfer Act (EFTA)
2. Regulation E
3. Federal Reserve
4. (CFPB) Consumer Financial Protection Bureau
5. preauthorized payments

۶ از این پس، «دستورالعمل» خوانده می‌شود.

7. Direct Debit and Direct Credit

می‌نماید. بنابراین، در ادامه، پس از بیان کلیاتی در خصوص مفهوم برداشت مستقیم و موارد کاربرد و مزایای آن، به مهم‌ترین موضوعات حمایت مصرف‌کنندگان راجع به آن خواهیم پرداخت.

۱.۱. مزایای برداشت مستقیم به‌عنوان روش پرداخت بانکی

روش و ابزار پرداخت مبتنی بر قرارداد برداشت مستقیم، گاهی برای مشتری صاحب‌حساب و گاهی نیز برای ذی‌نفع ارائه‌دهنده خدمات و یا هر دو آنها مزایایی دارد. نخست آنکه در برداشت مستقیم، برداشت از حساب بدون دخالت مشتری صورت می‌پذیرد و ذی‌نفع نیز به‌مانند دارنده در وصول چک، مجبور به مراجعه به بانک نیست و علاوه بر امکان استفاده از خدمات بانکداری برخط برای برداشت، امکان برداشت به شکل نیمه‌خودکار نیز به کمک ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت واسط (Zaakirah, 2023) برای وی ممکن است. به همین دلیل، برخلاف برخی روش‌های دیگر، فراموشی صاحب‌حساب در صدور دستور انتقال وجه، مانع پرداخت موفق نمی‌شود. این روش خصوصاً در مورد بدهی‌های اقساطی یا مابه‌ازای خدمات مستمری مفید است که برای تداوم آنها در غیاب این روش، نیاز به صدور مکرر دستور پرداخت است. آن‌چنان که در پرداخت قبوض خدمات عمومی، علاوه بر احتمال فراموشی، گاه اصلاً قبضی به صورت کاغذی برای صاحب‌حساب صادر نمی‌شود و در حالت عادی این خطر وجود دارد که اشتراک وی به حالت تعلیق درآید و شخص از این طریق متضرر گردد.

مزیت دوم آنکه موفقیت بسیاری از کسب‌وکارهای مربوط به ارائه محتوا در فضای مجازی گاه منوط به توانایی ارائه خدمات طولانی‌مدت و حفظ مشتریان ثابت و سرمایه‌گذاری بر حسب شمار آنهاست که این شیوه پرداخت می‌تواند آن را تسهیل نماید و ارائه‌کننده خدمات با بستن این قرارداد با صاحب‌حساب برای پرداخت‌های مکرر، علاوه بر امکان کاهش مبالغ حق اشتراک ماهانه و تقسیط آن و ارتقای خدمات خود، قادر است برای طولانی‌مدت نیز برنامه‌ریزی کند.

سومین مزیت آن است که در این روش، پرداخت مبالغ ازپیش تعیین‌نشده امکان‌پذیر است و با آن پرداخت صورت‌حساب‌های معمول ماهانه که مبالغ آنها پیش از صدور نامعین است، میسر می‌شود. همچنین، درجایی که به علت نامعلوم بودن مبلغ نهایی و عدم اطمینان از کفایت موجودی، تنها راه ممکن دیگر استفاده از (پذیرش) کارت‌های اعتباری بانکی است، مثلاً برای کرایه ساعتی خودرو یا دوچرخه‌های برقی، برداشت مستقیم کاربرد خواهد داشت.

مزیت چهارم برای هر دو صاحب‌حساب و ذی‌نفع، دسترسی مستقیم به حساب بانکی و برداشت از خود حساب به‌جای کیف پول الکترونیکی یا کارت‌های پرداخت بانکی و یا صدور چک الکترونیک است؛ چراکه پرداخت بر اساس قرارداد، از طریق برداشت مستقیم بانکی میان صاحب‌حساب و ذی‌نفع است، ولی در پرداخت از طریق کارت یا چک الکترونیک، به این دلیل که در بسیاری از موارد به صرف دانستن

اطلاعات روی کارت پرداخت یا مشخصات حساب جاری، امکان پرداخت وجود دارد، احراز هویت واقعی صورت نمی‌گیرد و سرقت اطلاعات ممکن است. همین‌طور، به جهات دیگر، همچون انقضای مدت اعتبار، با کارت پرداخت نیز پرداخت موفق صورت نمی‌گیرد. از این رو، در بسیاری از موارد که نیازمند پرداخت‌های مستمر از طریق چک است، مثل اجاره‌بها، هزینه خدمات مستمر و اقساط کالا و خدمات، این روش می‌تواند جایگزین صدور چک شود (Simatele & Mbedzi, 2021: 19; Tompkins et al., 2015: 6) و به این وسیله، ضمن کاهش هزینه‌ها و مراجعات، امکان پرداخت‌های مکرر به شکل مطلوبی برقرار گردد.

۲.۱. تمایز برداشت مستقیم از مفاهیم مشابه

برداشت مستقیم با مفاهیم و روش‌های پرداختی مشابه همچون «واریز مستقیم»^۱ و «پرداخت مکرر از کارت»^۲ متفاوت است. در واریز مستقیم که تعیین زمان و مبلغ برداشتی و بازه تناوب آن همگی و به‌طور مستقیم از سوی صاحب حساب انجام می‌گیرد (Benson et al, 2017: 23)، دیگر نیازی به اعطای مجوز خاص وجود ندارد و لذا تنظیم قرارداد جداگانه برای تعیین شرایط پرداخت الزامی نیست و نمونه آن را می‌توان ثبت دستور پرداخت مکرر (خودکار) انتقال اعتبار جهت واریز دستمزد کارکنان یک شرکت دانست. همچنین، در پرداخت مکرر از کارت که اصولاً محدود به پرداخت‌های تکرار شونده است، برداشت از طریق کارت بانکی (اصولاً کارت اعتباری و با شرایطی کارت بدهی)^۳ انجام می‌گیرد؛ درحالی‌که در برداشت مستقیم، وجوه از حساب بانکی (یا مالی - اعتباری) کسر می‌شود و از این جهت، نسبت به برداشت کارتی که با مشکلاتی نظیر عدم اعتبار و یا انقضای کارت روبه‌رو خواهد بود، امن‌تر است.

۲.۲. فرایند انتقال الکترونیک بدهی ازپیش تأییدشده

در معاملات داخلی، رایج‌ترین صورت انتقال بدهی به شکل کاغذی را می‌توان پرداخت از طریق چک دانست. چک ابزار مکتوبی^۴ حاوی دستور پرداختی بدون قید و شرط به امضای صادرکننده آن است که به بانک اجازه می‌دهد مبلغی را به ذی‌نفع انتقال دهد (Geva, 2015: 96). هرچند قالب ظاهری چک‌های

۱. Direct Credit, Standing order, (یا preauthorized credit در امریکا)

2. continuous payment authority (CPA)

۳. کارت بدهی (debit card) مختص کسانی است که نزد بانک یا مؤسسه مالی صادرکننده کارت، حساب دارند و می‌توانند با استفاده از کارت از موجودی حساب خود برداشت کنند یا بهای کالاها و خدمات خریداری‌شده را بپردازند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴۶).

4. paper-based

عادی، سندی کاغذی است، اما امروزه در اجرای فرایند پرداخت آن از بسترهای خاص بانکداری الکترونیک بهره گرفته می‌شود. به‌طور سنتی و در نبود چنین امکانی، علاوه بر مراحل دستی صدور و تحویل (یا ارسال) چک به ذی‌نفع، ظهرنویسی و انتقال آن به دارنده نهایی و تحویل برگ چک در مراجعه فیزیکی برای وصول آن، به جابه‌جایی آن میان دو یا چند بانک نیازمند است که نهایتاً در صورت کفایت موجودی حساب، وجه به صورت دستی به دارنده داده می‌شود و در غیر این صورت، به صدور گواهی عدم پرداخت منجر می‌گردد. موارد ذکر شده و انگیزه کارآمدی بیشتر و آسان‌تر ابزارهای پرداخت بانکی و نیز گسترش حجم معاملات و پیچیدگی اجرای تراکنش‌های متنوع میان بانکی، مؤسسات مالی درگیر را به سمت استفاده از فرایندهای انتقال الکترونیکی وجه^۱ سوق داد. چنین رویکردی موجب شد تا امکان معرفی و توسعه ابزارهای جدیدتری برای پرداخت‌های بانکی خصوصاً در انتقال بدهی فراهم و به‌مرور صورت کاغذی ابزارهای پرداخت نیز دچار تغییر گردد (Jans, 2023: 19-20 & 27) که روی‌آوری به پرداخت‌های ازپیش تأییدشده^۲ و نیمه‌خودکار نیز در همین راستا است. در گذشته، گونه‌های کاغذی انتقال بدهی ازپیش تأییدشده وجود داشته که عملکرد آن شبیه چک کاغذی بوده و در امریکا با نام «چک صادرشده از راه دور»^۳ شناخته می‌شده است؛ با این تفاوت که ذی‌نفع از طریق همچون تلفن اختیار صدور آن را از صاحب حساب تحصیل می‌کرده است. از این روش، بیشتر در بازاریابی تلفنی یا فروش کالا از راه دور استفاده می‌شد و ذی‌نفع به نیابت از صاحب حساب و با دانستن شماره حساب و شماره مسیر^۴ بانک او، چک را صادر و در حقیقت چاپ می‌کرد و به جای امضا نیز صرفاً عبارت «مشرتی مجوز صدور چک را صادر کرده» و یا نام چاپی یا تایپ‌شده صاحب حساب درج می‌شد. این روش با وجود استفاده بسیار و حتی وجود نوع غیر کاغذی این‌گونه پرداخت^۵، به دلیل مشکلات آن و نیز تخلفات فراوان صورت‌گرفته از سوی صادرکنندگان بدون اختیار، از رواج افتاده است (Bernstein, 1996) و اکنون برای چنین منظوری و نیز دستیابی به کارکردهای متنوع مشابه دیگر، عمدتاً از انتقال بدهی الکترونیک ازپیش تأییدشده^۶ استفاده می‌شود.

۳. ضرورت وجود قرارداد معتبر قبلی و عدم ابهام در مجاز بودن ذی‌نفع در برداشت

پیش از هرگونه تراکنش الکترونیک انتقال بدهی ازپیش تأییدشده، ذی‌نفع که می‌تواند یک شرکت ارائه‌کننده خدمات یا یک فروشگاه و حتی شخص حقیقی باشد، از مشتری یا در واقع صاحب حساب، مجوزی

1. electronic funds transfer
2. pre-authorized
3. remotely created check
4. routing number
5. remotely created payment order
6. preauthorized electronic debit transfer

را دریافت می‌کند که او را مجاز به انتقال وجه از حساب یادشده به حساب خود می‌نماید (Baker et al, 2021: 275). منظور از مجوز در اینجا توافقی است که از قبل تحت قرارداد برداشت مستقیم میان ذی‌نفع و صاحب‌حساب برقرار می‌گردد و تحت شرایطی به او اختیار برداشت از حساب را به نحو مستقیم خواهد داد. بند «b» ماده ۱۰ مقررات E، ذی‌نفع را ملزم می‌دارد که با صاحب‌حساب مصرف‌کننده، قرارداد موجد مجوز برداشت به صورت کتبی منعقد کند و نسخه‌ای از آن را نیز در اختیار او قرار دهد.^۱ تحت مقررات عملیاتی فعلی نچا^۲ (انجمن ملی پایاپای امریکا)^۳ نیز لازم است که پیش از آنکه ذی‌نفع امکان آغاز یک دستور پرداخت از نوع برداشت ازپیش تأییدشده را ثبت کند، از جانب صاحب‌حساب، مجوز کتبی داشته باشد.^۴ همچنین ضروری است که چنین مجوزی از روشنی و دلالت کافی برخوردار باشد و بتوان از مفاد آن به مآذونیت پی برد. علاوه بر این، مقادیر و فواصل زمانی برداشت در صورت تصریح باید به‌خوبی قابل فهم و تعیین باشند. از این رو، تردید در اطلاعات مربوط به حساب بانکی و هویت طرفین قرارداد، می‌تواند مانع اجرای آن باشد؛^۵ همچنان که ماده ۱۲ «دستورالعمل» نیز مؤسسه مالی را مکلف به تصدیق هویت درخواست‌کننده پرداخت (ذی‌نفع) و کفایت مندرجات دستور پرداخت می‌داند.

تحت مقررات نچا، مؤسسه مالی ذی‌نفع می‌تواند حداقل شش روز کاری پیش از اولین انتقال بدهی، پیامی را در قالب یک اعلان پیش از موعد از سوی شبکه پایاپای برای بانک انتقال‌دهنده ارسال کند. این پیام می‌تواند همچون یک تراکنش با مبلغ صفر باشد و تنها بیانگر این مطلب که بانک ذی‌نفع قصد دارد وجوهی را در قالب انتقال بدهی جابه‌جا کند. چنین پیامی می‌تواند جهت حصول اطمینان از صحت اطلاعات حساب و نیز اطلاع‌رسانی بانک به صاحب‌حساب جهت تأیید وجود قرارداد قبلی با ذی‌نفع به کار رود. در پاسخ به این پیام، بانک صاحب‌حساب مجاز است در صورتی که اشکالی وجود داشته باشد با ارسال اعلانی دیگر، مؤسسه ذی‌نفع را از عدم قبول خود مطلع سازد، مشروط بر آنکه اشکال یادشده را در پیام ذکر نماید. در صورتی که در مهلت ۶ روز چنین اعلانی بازنگردد، مؤسسه مالی ذی‌نفع می‌تواند فرایند اجرای دستور پرداخت انتقال بدهی مستقیم^۶ را با مقدمه‌چینی جهت اولین تراکنش آغاز کند (Baker et al, 2021: 278).

1. 1005.10(b) §

2. National Automated Clearinghouse Association (NACHA)

۳. مقررات نچا مواردی را مرتبط با تراکنش‌های انتقال بدهی ازپیش تأییدشده در نظر گرفته است که در راستای حمایت از صاحب‌حساب است. برخی از این موارد، حتی پیش از وضع قانون انتقال الکترونیکی وجوه امریکا و مقررات حمایتی E مقتبس از آن هم وجود داشتند و پس از تدوین قانون و مقررات یادشده، در جهت انطباق بیشتر با آنها مورد ویرایش و تصحیح قرار گرفتند.

4. Nacha operating rules, subsection 2.3.2.2

5. Nacha operating rules, subsection 2.3.2.3

۶. برداشت پیش‌مجاز یا برداشت مستقیم

بخش 1693e^۱ از قانون انتقال الکترونیک و جوه امریکا، بر لزوم کتبی بودن قرارداد برداشت مستقیم و ارائه نسخه‌ای از قرارداد به صاحب حساب تأکید می‌کند، اما مقررات E در تطابق با شرایط روز و توسعه سخت‌افزاری و پیشرفت شبکه‌های رایانه‌ای، با بیان آنکه امکان کسب و تصدیق قرارداد امضاشده در صورتی که مشابه صورت نوشتاری و امضای سنتی ذیل آن باشد، این امر را تسهیل می‌نماید؛ آن‌چنان که در اظهار نظر تفسیری رسمی^۲ راجع به بند 1005.10(b)، تدارک قرارداد و امضای آن را به شکل الکترونیکی پذیرفته و مشابه صورت کتبی دانسته است و ضمن بیان موارد معتبر امضا و تصدیق قرارداد الکترونیک برداشت مستقیم، دو روش امضای دیجیتال و کد امنیتی^۳ را به‌عنوان نمونه می‌آورد. همچنین در اجرای شرط ارائه نسخه‌ای از قرارداد از سوی ذی‌نفع تحصیل‌کننده آن، هردو صورت نسخه کاغذی و الکترونیک آن را قابل قبول دانسته است، اما یادآور می‌شود که تنها مشتری یا شخص صاحب حساب می‌تواند طرف قرارداد و اعطاکننده مجوز باشد و اصولاً وساطت شخص دیگر و انعقاد قرارداد با ثالث از جانب او معتبر نیست و به طریق اولی تحصیل شفاهی مجوز و تصدیق آن به خط و امضای ذی‌نفع از طرف صاحب حساب نیز قابل قبول شناخته نشده است. در مقابل، در حقوق ایران بر طبق قواعد عمومی حقوق مدنی، اصولاً منعی برای انعقاد قرارداد برداشت مستقیم به وکالت از صاحب حساب وجود ندارد. با این حال، بند «ب» ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۳۸۸)، از مؤسسات مالی خواسته است که به هنگام ارائه خدمات پایه به ارباب رجوع، آنان را متعهد نمایند که اجازه استفاده اشخاص دیگر از خدمات پایه دریافتی را ندهند و در صورت اقدام، بی‌درنگ موضوع را به شخص مشمول اطلاع دهند و موارد قانونی (از قبیل وکالت یا نمایندگی) به شرط درج مشخصات نماینده یا وکیل و شناسایی اولیه و ثبت مشخصات وی از این بند مستثنی گردیده است که این اقدام در مواردی به کاهش اختلاف راجع به هویت شخص معطی مجوز برداشت کمک می‌کند.

بخش هفتم قانون متحدالشکل قراردادهای الکترونیکی امریکا^۴ در تطابق با مواد ۵، ۶ و ۷ قانون نمونه آنسیترال راجع به تجارت الکترونیک، این‌گونه بیان می‌کند که اصولاً یک سند، قرارداد و یا امضا را نمی‌توان تنها به دلیل صورت الکترونیکی آن فاقد اثر حقوقی یا ضمانت اجرا دانست و همچنین در صورتی که قانون، کتبی بودن سندی را لازم بداند، شکل الکترونیکی آن، و نیز در صورتی که امضا ضروری باشد، امضای الکترونیک به جای آن کفایت می‌کند و بخش ۱۰۱ از قانون امضای الکترونیک امریکا^۵ نیز به نحوی تکرار همین مطلب است. از این رو، نمی‌توان چنین استنباط نمود که مکالمه تلفنی

1. Section
2. official interpretation
3. security code
4. UETA Act, Section 7
5. E-sign Act

ضبط شده با شخصی که موافقت خود را با مجوز برداشت از حسابش اعلام می کند جایگزین قرارداد کتبی برداشت مستقیم یا مشابه آن نباشد (Veltri, 2005: 1675). با این حال باید توجه داشت که مطابق مقررات E، قرارداد چه به صورت کتبی و چه به شکل الکترونیک، باید اقتضاتاتی راجع به آن رعایت گردد؛ نظیر آنکه قرارداد برداشت مستقیم باید به خوبی از جانب صاحب حساب قابل درک و تشخیص و نیز الفاظ آن روشن باشد و نسخه ای از آن به وی داده شود؛ لذا، در انتخاب صورت و ابزار الکترونیکی جهت برقراری قرارداد باید قابلیت آن در برآوردن شرایط یادشده را در نظر گرفت.

ماده ۷ از قانون حمایت از مصرف کنندگان ایران چنین مقرر می دارد: «تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف کننده ... شود، ممنوع می باشد»؛ همچنان که ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیکی تأمین کننده را ملزم کرده است تا به نحوی تبلیغ نماید که مصرف کننده به صورت دقیق و روشن، اطلاعات مربوط به کالا و خدمات مربوط را درک نماید. از این رو، کسب رضایت صاحب حساب در خصوص برداشت از حساب او، چنانچه از طریق فریب و یا ترغیب وی، به نحوی باشد که به لحاظ حدود و میزان برداشت دچار اشتباه گردد، ممنوع است^۱ و ضمانت اجرای آن، جعل خیار برای وی به جهت تدلیس در معامله است (مظاهری و خادمی کوشا، ۱۳۹۷: ۱۸۶). همچنین، اگر شرطی در قرارداد از جهت تعیین زمان اولین برداشت و یا سقف، تعداد و بازه زمانی برداشت ها درج شده باشد، لازم الوفاست و عمل خلاف آن از سوی ذی نفع، غیر نافذ محسوب می شود. چنین شروطی حاکی از آن است که علاوه بر ضرورت وجود قرارداد، توافق یادشده باید به لحاظ قانونی معتبر باشد و از طریق مشروع و شفاف نیز تحصیل شده باشد.

در حقوق ایران، اصل بر رضایی بودن عقود است و اصولاً هر عقدی به صرف توافق اراده طرفین آن واقع می شود و تحقق آن به شکل و تشریفات خاصی وابسته نیست (صفایی، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۱). راجع به قرارداد برداشت مستقیم نیز هر چند برخی مدعی نیاز به تنظیم سند رسمی برای آن هستند (السان، ۱۳۹۵: ۱۴۹)، اما چنین چیزی از مقررات موجود بر نمی آید و ماده ۱۵ «دستورالعمل» نیز صرف اطلاع بانک و وجود قرارداد میان طرفین را بدون قید خاصی کافی می داند. از این رو، قرارداد به هر نحو که صورت پذیرد معتبر است و کتبی بودن آن، تنها از حیث سادگی اثبات در موارد اختلاف می تواند ارجح باشد. ماده ۱۹۱ قانون مدنی، تحقق قرارداد را به قصد انشا می داند، به شرط اقترا با چیزی که دلالت بر آن کند. چنین بیانی ضمن مطابقت با نظریه اصالت اراده باطنی، بر اهمیت مبرز خارجی نیز استوار است. در این راستا می توان امضا و علائم مشابه آن را در یک قرارداد کتبی متداول ترین وسیله اعلان اعتبار دانست و از آنجا که صورت

۱. آگهی های بازرگانی را نمی توان به عنوان جزئی از عقد محسوب نمود، مگر آنکه به صراحت حاوی ایجابی به مخاطب باشند، به نحوی که طرف پذیرا از نگاه عرفی ملتزم به آن باشد (خادمی کوشا، ۱۳۹۷: ۲۲۰).

الکترونیکی متن قرارداد معتبر دانسته شده است، جهت کشف توافق طرفین بر آن نیز به ابزاری نیاز است که به امضای الکترونیکی مشهور است. به علاوه، از توجه به قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، می‌توان دریافت که قانون‌گذار ایرانی همچون در حقوق امریکا به پذیرش اعتبار و ارزش‌گذاری مناسب قرارداد الکترونیکی از حیث اثبات متمایل بوده است؛ چنان‌که در ماده ۶، جز در موارد استثنایی همچون نسبت به اسناد مالکیت اموال غیرمنقول، به لحاظ الزام قانونی، داده‌پیام و نماد اطلاعات پردازشی الکترونیکی را در حکم نوشته دانسته است و لذا، قراردادهای تشکیل‌شده از طریق رایانه یا وسایل مشابه را همچون شکل کتبی آنها می‌نمایاند. همین‌طور، در ماده ۱۲ قانون یادشده آمده است: «اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده‌پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». از سویی، ماده ۱۳ در حکمی کلی، تعیین ارزش اثباتی داده‌پیام شکل‌گرفته بر بستری الکترونیکی را متناسب با مواردی همچون روش‌های ایمنی به‌کار گرفته‌شده راجع به موضوع و منظور آن می‌داند و از این حیث، لازم است در امور بانکی که حساسیت ویژه‌ای دارد، از روش‌های ایمن ذخیره و مبادله اطلاعات پرداخت‌ها و نیز تصدیق داده‌های منشأ آن‌ها همچون احراز هویت چندعاملی و امضای دیجیتال (امضای الکترونیک مطمئن) استفاده شود. با وجود این، در حقوق امریکا اصولاً راجع به هرگونه امضای الکترونیکی در صورتی که شرایطی غیرعادی در مسیر انتقال اطلاعات مشاهده نشود و با رعایت مقررات تحصیل شده باشد، بار اثبات عدم اعتبار امضا با شخص صاحب امضا است (Stern, 2001: 406-411; Kisswani & AlBakri, 2010: 58, 62, 226-239; Mason, 2016). و به‌نظر نسبت به حقوق ایران که در آن جز در امضای الکترونیک مطمئن امکان انکار وجود دارد، ارزش اثباتی افزونی در نظر گرفته شده است.

بر طبق مقررات نچا، در صورتی که برداشت از حساب، بدون مجوز و قرارداد قبلی صورت گیرد، مسئولیت مدنی ناشی از کسر ناروای مبلغ یادشده و خسارات احتمالی برعهده مؤسسه مالی آغازگر فرایند پرداخت بدهی خواهد بود.^۱ چنین مسئولیتی از نوع مسئولیت محض^۲ و در جهت اطمینان خاطر و حفظ کامل حقوق صاحب‌حساب در برابر برداشت‌های غیرمجاز یا متقلبانه است (Baker et al, 2021: 291). در چنین صورتی، اعتبار حساب موردنظر به میزان مبلغ برداشت‌شده مجدداً شارژ می‌شود و به عبارت

۱. بند ۲,۴,۱,۱ از مقررات نچا، مسئولیت حصول اطمینان از وجود قرارداد معتبر میان ذی‌نفع و صاحب‌حساب و باقی‌بودن مدت اعتبار آن را در زمان شروع تراکنش مربوط به اجرای دستور پرداخت برداشت مستقیم، برعهده مؤسسه مالی آغازگر (ODFI) که بر حسب مورد می‌تواند بانک ذی‌نفع و یا واسطه‌ای مالی یا اعتباری از جانب او باشد، وامی‌گذارد؛ آن‌چنان‌که تضمین رعایت شرایط مقرر مربوط به دستور پرداخت و توافق با ذی‌نفع مبنی بر پایبندی به اصول قرارداد نیز با مؤسسه مالی آغازگر خواهد بود. (Baker et al, 2021: 284).

2. strict liability

دیگر، مبلغ برداشتی غیرمجاز به حساب او اضافه می‌گردد و مؤسسه مالی نگهدارنده حساب می‌تواند مبالغ یادشده را از مؤسسه آغازگر که وجود قرارداد معتبر را تضمین نموده، بازستاند. در روندی مشابه، پیش‌بینی مسئولیت مطلق برای مؤسسه آغازگر تراکنش بدهی برای مؤسسه نگهدارنده حساب نیز این سهولت را به‌همراه دارد که آن را از تطبیق امضای صاحب حساب - آن‌چنان که در وصول چک رایج است - و نیز سنجش اعتبار قرارداد بی‌نیاز می‌کند و در شرایط معمول بودن امضای قرارداد نیز همچنان مؤسسه آغازگر پرداخت، مسئول خسارات خواهد بود.^۱

در این باره، خالی از لطف نیست که به قراردادی که در طی درخواست برقراری برداشت مستقیم جهت اشتراک ماهانه یکی از ارائه‌دهندگان خدمات تماشای فیلم و سریال برخط^۲، با انتخاب حساب مشخص نزد بانک ملی ایران با آن مواجه شدیم^۳، نگاهی بیندازیم^۴. توضیح آنکه در بند ۱۹ از ماده اول

۱. از دیدگاه دیگری می‌توان این‌گونه بیان نمود که اصولاً در صورتی که آغازکننده پرداخت در موارد قرارداد کاغذی ملزم به ارائه آن به مؤسسه مالی صاحب حساب امضاکننده آن نباشند، در صورت الکترونیکی بودن قرارداد نیز چنین الزامی جهت بررسی امضای دیجیتال یا کد امنیتی به‌کاررفته وجود نخواهد داشت، مگر آنکه در قرارداد میان مؤسسه مالی ذی‌نفع یا ارائه‌کننده خدمات برداشت مستقیم با او چنین الزامی در نظر گرفته شده باشد. با این حال، اجرای چنین شرطی نیز به لطف وجود الگوریتم‌های نوین تشخیص امضا به‌سهولت ممکن است. (Zhou et al, 2021: 2).

۲. نماوا

۳. در ادامه با عنوان «قرارداد نمونه» خوانده می‌شود.

۴. «... خدمات برداشت مستقیم بدهی از حساب، تحت شرایط و ضوابط حاکم بر این توافقنامه که در ذیل آمده است، به مشتری ارائه می‌گردد؛ مشتری باید حداقل دارای یک حساب فعال در بانک ملی باشد. اطلاعات شناسنامه‌ای ثبت‌شده برای مشتری در بانک با اطلاعات هویتی وی در ثبت احوال کشور مطابقت داشته باشد. شماره تلفن همراه مشتری نیز باید جهت پیام‌دهی و ارتباط در سامانه پیام کوتاه بانک ملی (سایپا) فعال باشد. با توجه به قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی آن مشتری متعهد و ملزم به رعایت قانون یادشده می‌باشد و نباید به اشخاص ثالث اجازه استفاده از حساب خود را بدهد. بروز هرگونه اختلاف بین مشتری و پذیرنده، یا هرگونه تغییر در شرایط برداشت مذکور طی دوره زمانی یعنی از زمان ثبت مجوز برداشت مستقیم بدهی از حساب توسط مشتری تا زمان برداشت مستقیم وجه بدهی از حساب توسط پذیرنده، مانع انتقال وجه از حساب مشتری به حساب پذیرنده نمی‌گردد. در صورت وجود مغایرت‌های احتمالی در صورتحساب بانکی ناشی از خدمات برداشت مستقیم بدهی از حساب، صاحب حساب باید برای رفع مسأله به شرکت پذیرنده مراجعه نماید. در این خصوص اقدام خاصی از سوی بانک متصور نیست. در صورت تشخیص بانک مبنی بر سوء استفاده و یا به‌کارگیری خدمات مزبور در جهت غیرقانونی، بانک مخیر است به صورت یکجانبه نسبت به غیرفعالسازی آن اقدام و در صورت لزوم اقامه دعوا کرده و صاحب حساب حق هرگونه اعتراض را از خود سلب می‌نماید. پذیرش این درخواست از جانب بانک به هیچ وجه محدودکننده اختیارات بانک در به‌کارگیری سایر قوانین و مقررات مربوطه در صورت لزوم نیست. در صورت هرگونه سوء استفاده از اختیار اعطاء شده به پذیرنده، مسئولیتی متوجه بانک نمی‌باشد.»

«دستورالعمل»، دستور پرداخت پیش تأییدشده، دستور پرداختی به‌شمار می‌رود «که طی آن صادرکننده به مؤسسه مالی خود اجازه می‌دهد در تاریخ مؤثر انتقال یا انتقالات و به ترتیبی که در دستور پرداخت مشخص شده است ... از حساب وی برداشت کند» که بر اساس تقسیم‌بندی دو بند پس از آن، واریز مستقیم، دستور پرداخت پیش تأییدشده‌ای است که با اعلام صادرکننده آغاز می‌گردد و برداشت مستقیم نیز به‌عنوان دستور پرداخت پیش تأییدشده انتقال بدهی، دستور پرداختی دانسته شده است که با اعلام ذی‌نفع آغاز می‌گردد. چنین تعریفی به‌نظر مبهم می‌رسد؛ چراکه در هر دو صورت پرداخت، صادرکننده دستور، آغازگر آن است که در این صورت بهتر بود در بند ۲۰ در تعریف واریز مستقیم، به‌جای صادرکننده از عبارتی نظیر «صاحب‌حساب حاوی وجه انتقالی» استفاده می‌شد. همچنین از توجه به بند ۱۹ که مؤسسه مالی را مجاز به برداشت از حساب صادرکننده می‌داند، این ابهام پیش می‌آید که در برداشت مستقیم نیز وجه از حساب ذی‌نفع برداشت می‌شود و لذا، بهتر بود به جای تقسیم انواع دستور پرداخت از پیش تأییدشده در دو بند بعد، هریک از دو نوع پرداخت از پیش تأییدشده انتقال اعتبار و انتقال بدهی، در بندهای مجزایی تعریف می‌شد. به هر ترتیب، از آنچه در بندهای ۲۰ و ۲۱ ماده اول از «دستورالعمل» مشهود است، تفاوت دستور پرداخت انتقال بدهی و انتقال اعتبار از پیش تأییدشده، در آغازگر عملیات است؛ چنان‌که در اولی ذی‌نفع و در دومی شخص صاحب‌حساب، آغازگر دستور پرداخت هستند. حال، چنان‌که از متن قرارداد یادشده برمی‌آید، طرفین آن، صاحب‌حساب و بانک هستند و ذی‌نفع در آن، ثالث محسوب می‌شود. پس به‌نظر می‌رسد بدین لحاظ باید آن را به‌جای قرارداد برداشت مستقیم، توافقنامه واریز مستقیم دانست.^۱ در صورتی که به دو بند آخر قرارداد یادشده توجه گردد، می‌توان دریافت که چرا بانک به جای اجرای قراردادی میان صاحب‌حساب و ذی‌نفع، در عمل همان روش واریز مستقیم را به‌اجرا می‌گذارد و خودش هم طرف قرارداد واقع می‌شود؛ چنین امری احتمالاً ناشی از میل بانک به داشتن اختیار کامل راجع به نحوه اجرا و شرایط قرارداد و دوری از هرگونه اختلاف میان ذی‌نفع و صاحب‌حساب و مهم‌تر از همه، گنجاندن شرط رفع مسئولیت از خود در تخلفات مربوط به ثبت قرارداد نامعتبر و یا عدم

۱. همچنین، جهت ثبت قرارداد، به مشتری (صاحب‌حساب) دو طریق پیشنهاد می‌شود؛ یکی از طریق کارت بانکی و دیگری از طریق سامانه بام و دسترسی به حساب بانکی، که به‌نظر می‌رسد در اینجا هم، مفهوم برداشت مستقیم به‌خوبی از سوی بانک درک نشده، چراکه از مزایای اصلی این روش پرداخت، دسترسی مستقیم به حساب بانکی است و پرداخت‌های مکرر مشابه از طریق کارت بانکی (و آن هم تنها کارت بدهی متصل به حساب جاری یا کارت اعتباری، و نه مثلاً کارت‌های پرداخت متصل به حساب‌های قرض‌الحسنه) تحت عنوان اختیار مداوم پرداخت کارتی (CPA) انجام می‌پذیرد و از سازوکار برداشت مستقیم مجزا به‌شمار می‌رود. البته عملکرد بانک راجع به این مسئله بهبود یافته و نسبت به سابق که پردازش و برداشت اولین مصداق از قرارداد به صورت آنی صورت می‌گرفت، اکنون به‌نظر می‌رسد، این عمل در پایان روز کاری بانک انجام می‌شود.

تطابق مبالغ برداشتی با توافق طرفین است. این درحالی است که در انگلیس نیز قراردادهای برداشت مستقیم^۱ که فرایند اجرای آنها از طریق بکز^۲ صورت می‌گیرد با شرط تضمینی^۳ همراه هستند که بر طبق آن، در صورت بروز و تشخیص خطا در پرداخت از سوی بانک یا مؤسسه مالی دخیل یا هرگونه تخلف یا اشتباه ذی‌نفع در برداشت، صاحب‌حساب، محق به استرداد بلافاصله تمام وجه برداشتی است که می‌تواند آن را از بانک یا مؤسسه مالی خود بخواند.

هرچند شرط مسئولیت مطلق برای مؤسسه مالی سبب خواهد شد تا انتخاب و پذیرش ارائه‌کنندگان خدمات و فروشندگانی که قصد برقراری سرویس برداشت مستقیم از حساب را دارند با بررسی مضاعف و دقت بیشتر در صلاحیت ایشان صورت گیرد و احتمال خطاها و تخلفات آتی کاهش یابد، ولی می‌تواند استفاده از این خدمات را برای ذی‌نفعان احتمالی با دشواری‌هایی همراه سازد که با اعمال محدودیت در سقف مبلغ تراکنش‌ها بر حسب اعتبار شخص ذی‌نفع، می‌شود تا حدودی آن را برطرف ساخت.

در سال ۱۹۹۸، مقررات E به‌گونه‌ای اصلاح شد که مؤسسات مالی امکان آن را داشته باشند که در مواردی که الزام به ارسال پیام کتبی برای صاحب‌حساب است، از شبکه‌های یارانه‌ای و پیام الکترونیک به‌جای آن بهره‌برند که البته این منوط به موافقت وی نسبت به دریافت اعلان الکترونیکی است (Baker et al, 2021: 286). چنین اعلانی می‌تواند به صورت متن قابل نمایش بر روی صفحه، همچون پیامک یا پست الکترونیک باشد؛ اما ارسال پیام صوتی بر روی تلفن مخاطب از این نظر قابل قبول نیست، چراکه شکل متن و صورت مشابه حالت کتبی و نوشتاری را ندارد. در صورتی که مؤسسه مالی به نحو قابل مشاهده‌ای بر روی صفحه نمایش دستگاه مورد استفاده صاحب‌حساب، ارسال الکترونیکی اعلان‌ها را پیش از موافقت با قواعد به‌کارگیری ابزارهای انتقال الکترونیکی وجه و یا ثبت و امضای قرارداد با ذی‌نفع اعلام نماید، می‌توان رضایت وی را مبنی بر دریافت اعلان‌های الکترونیک مربوط به پرداخت کشف نمود.

الزام دیگر مقررات E راجع به اعلان‌های الکترونیکی، آن است که برای مخاطب، واضح و قابل فهم باشد و در صورت استفاده از کلمات اختصاری در آنها، از موارد متداول و قابل شناسایی برای عموم استفاده شود. همچنین لازم است امکان نگهداری پیام برای مخاطب وجود داشته باشد^۴ که قابلیت چاپ یا بارگذاری پیام در همین راستا نشانه ذخیره‌سازی آن است. مطابق آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ایران، بانک موظف است مواردی همچون مهم‌ترین عناوین و اطلاعات

1. Direct Debit
2. Bacs (Bankers' Automated Clearing System)
3. Direct Debit Guarantee
4. 1005.4(a) §

انجام کار و ارائه خدمت، فرایند انجام کار و ارائه خدمت و مدت زمان متعارف انجام یا ارائه آن و نیز هزینه‌های انجام و ارائه خدمت را به اطلاع مشتری برساند.

مطلب شایان ذکر دیگر آن است که تا پیش از اصلاحات ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱، در قواعد عملکرد نچا راجع به برداشت‌های ازپیش تأییدشده، این محدودیت وجود داشت که یا باید به صورت مکرر و در مقاطع زمانی مشخص (همچون برداشت ماهانه مبلغ قبوض و اشتراک ویژه) و یا به صورت تکی و با مجوز جداگانه از سوی صاحب حساب صورت می‌گرفت (مثلاً برای خرید یک محصول). اما پس از اصلاحات یادشده^۱، شکل سومی با در نظرگیری «مجوز مداوم»^۲ معرفی گردید که امکان برداشت‌های متعدد و در زمان‌های از قبل نامشخص را (به شرط صدور فرمان از سوی مصرف‌کننده در هر مورد) فراهم می‌آورد و با این مزیت همراه است که امکان ثبت مجوز آن به صورت شفاهی و نیز فرمان‌های بعدی نسبت به آن (در صورت تعیین در مجوز) به شیوه‌های مختلف، همچون از طریق دستیار صوتی تلفن همراه وجود دارد^۳. با این همه، به نظر می‌رسد چنین مجوزی به دلیل نیاز به صدور فرمان‌های آتی، مربوط به واریز مستقیم باشد تا برداشت مستقیم؛ اما می‌توان این تفاوت را برای آن در نظر گرفت که فرمان‌های یادشده می‌توانند به صورت مختصر و بدون نیاز به ورود مجدد اطلاعات حساب و احراز هویت ویژه وارد شوند و دستور پرداخت بدین شکل از انعطاف بیشتری برخوردار است.

۴. لغو پرداخت

پیش از تصویب قانون انتقال الکترونیک وجوه، مقررات نچا راجع به برداشت پیش‌مجوز در تطابق با بخش ۴۰۳ ماده ۴ فعلی قانون متحدالشکل تجارت امریکا^۴، شرایط مشابهی را برای لغو پرداخت در نظر گرفته بود که در آن امکان لغو پرداخت وجود داشت؛ به شرط آنکه دستور آن در فرصت کافی پیش از نهایی شدن فرایند پرداخت از سوی بانک پرداخت‌کننده واصل شود (Vergari, 1980: 297). اما با تصویب قانون یادشده و اعمال مقررات E، محدودیت بیشتری جهت لغو برداشت ازپیش تأییدشده برای صاحب حساب تعیین گردیده است؛ به این ترتیب که نخست لازم است حداقل سه روز کاری پیش از تاریخ مقرر انتقال، توقف آن را به صورت کتبی یا شفاهی از مؤسسه مالی خود بخواهد و دوم آنکه در صورت شفاهی بودن، مؤسسه مالی می‌تواند تأیید کتبی دستور لغو پرداخت را طی فرصتی ۱۴ روزه از وی طلب نماید؛ در غیر این صورت پس از مهلت یادشده، دستور لغو شفاهی از اعتبار ساقط می‌گردد و البته این

1. Meaningful modernization

2. Standing authorization

3. Federal Register, vol 87, no 1, Monday, Jan. 3, 2022, pp44&45

4. Uniform Commercial Code (UCC)

به شرطی است که مؤسسه مالی الزام مذکور را به صاحب حساب اطلاع دهد و نشانی مقتضی جهت ارسال نوشته دستور لغو پرداخت را به او برساند.^۱

آنچه شایان توجه و دقت است، آنست که دستور توقف انتقال بدهی از پیش تأییدشده از سوی صاحب حساب با فسخ قرارداد مبنای آن با ذی نفع یکسان نیست و همین مطلب اجرای آن را با مسئله‌ای روبه‌رو نموده است. توضیح آنکه پیش از اصلاحات سال ۱۹۹۶ مقررات E، پرسشی به این مضمون از مقام ذی صلاح جهت تفسیر مقررات یادشده به عمل آمده بود که چنانچه فرضاً در دهم اکتبر، صاحب حساب شفاهاً از مؤسسه مالی خود لغو پرداخت یک قبض خدمات عمومی به مبلغ ۳۰ دلار را که موعد آن پانزدهم ماه است بخواهد و هفدهم ماه نیز تأییدیه کتبی آن را ارائه دهد، پس از توقف پرداخت از سوی مؤسسه مالی، در صورت درخواست مجدد شرکت ذی نفع ارائه‌دهنده خدمات برای برداشت مبلغ ۳۰ دلار در سی‌ام ماه [وظیفه مؤسسه مالی چیست]، آیا لازم است از دستور برداشت پیش گفته که تاریخ آن مؤخر است، جلوگیری به عمل آید؟ که در پاسخ آن چنین آمده است: «بله؛ مؤسسه مالی می‌تواند فرضاً با معلق کردن تمامی پرداخت‌های متعاقب مربوط به ذی نفع مشخص به درخواست لغو صاحب حساب جامه عمل بپوشاند، تا زمانی که وی به مؤسسه مالی اطلاع دهد که پرداخت‌ها را از سر گیرد». همچنین، در سال ۱۹۸۴ مطلبی چنین، جهت جایگزینی با پاسخ پرسش یادشده به فدرال رزرو (مقام ذی صلاح جهت تفسیر مقررات E در آن زمان) پیشنهاد شده است: «قانون انتقال الکترونیک وجوه و مقررات E [هر دو] مبنای حق مصرف‌کننده (مشتری صاحب حساب) برای توقف پرداخت انتقال وجوه الکترونیکی از پیش تأییدشده هستند. مؤسسه مالی می‌تواند چنین خود را با مقررات وفق دهد و به درخواست مصرف‌کننده پاسخ گوید که هنگام درخواست شفاهی مصرف‌کننده از مؤسسه مالی جهت توقف پرداخت معین سازد که آیا (۱) او می‌خواهد مجوز پرداخت ذی نفع را برای تمامی پرداخت‌های آتی ملغی کند که در این صورت مؤسسه مالی می‌تواند تمامی پرداخت‌های متعاقب را معلق سازد تا آنکه مصرف‌کننده به مؤسسه مالی اطلاع دهد که پرداخت‌ها را از سر گیرد و یا آنکه (۲) او می‌خواهد تنها مورد مشخصی [از موارد پرداخت] متوقف گردد که در این صورت، [همین مورد از] پرداخت متوقف می‌گردد حتی اگر دوباره [از سوی ذی نفع، برداشت آن] ثبت گردد».^۲

در واقع، مؤسسه مالی صاحب حساب در هنگام ثبت درخواست لغو شفاهی از سوی او، می‌تواند با پرسش از وی تعیین نماید که دستور یادشده مربوط به مصداق مشخصی از مجموعه تراکنش‌های برآمده از یک دستور پرداخت مکرر است و یا تمامی مصادیق ناشی از قرارداد با ذی نفع مشخص را دربر می‌گیرد.

1. § 1005.10(c)

2. Federal Register, vol 49, no 19, Friday, Jan. 27, 1984, p. 56.

اما آنچه در این خصوص مورد ابهام است، از آنجا نشئت می‌گیرد که تفاوت سرشت پرداخت‌های الکترونیک و کاغذی، اصولاً هنگام اجرا مانع از تشخیص مؤسسه مالی خواهد شد (Baker et al, 2021: 293). به عبارت دیگر، هنگامی که شرکت ارائه‌دهنده خدمات مجدداً اقدام به ثبت دستور برداشت می‌نماید، مؤسسه مالی از کجا می‌تواند تعیین کند که درخواست یادشده مربوط به فرضاً قبض برق ماه گذشته است که صاحب حساب دستور لغو پرداخت آن را داده بود و اکنون مجدداً برای برداشت ثبت شده و یا آنکه مربوط به قبض ماه جاری است که از پرداخت آن ممانعت نشده است؟ و از آنجا که ممکن است مشتری صاحب حساب مشمول جریمه دیرکرد در پرداخت قبض شده باشد، حتی در صورتی که مبلغ درخواست شده هم تغییر کرده باشد باز نمی‌توان نظر داد که آیا مربوط به مصداق لغوشده پرداخت (قبض ماه گذشته) است یا خیر.

در همین خصوص، توجه به پرونده‌ای مطرح شده در دادگاه استیناف لوئیزیانا در سال ۲۰۰۸ مفید است.^۱ در این پرونده، خواهان، دعوی را علیه مؤسسه مالی خود که در آن حسابی جاری عمدتاً جهت پرداخت قیوض منزل و مخارج آن و نیز حق بیمه خود افتتاح نموده مطرح می‌کند. در این راستا، با مجوز او برای چند سال، ماهانه حق بیمه وی از طریق برداشت الکترونیک خودکار از حسابش کسر می‌گردید تا آنکه در ژانویه ۲۰۰۳ به دلیل تصمیم بیمه‌گر خصوصی به افزایش میزان حق بیمه، خواهان بیمه‌گر خود را تغییر می‌دهد و در همان ماه به قصد خاتمه دادن به پرداخت‌های ماهانه به بیمه‌گر سابق، به بانک مراجعه می‌نماید و ضمن تکمیل و امضای فرم دستور توقف پرداخت و اعطای کارمزد آن، مطمئن می‌شود که تمامی پرداخت‌های آتی لغو گردند. با این حال، او دو ماه دیگر نیز از طریق چک به شرکت بیمه سابق مبالغی را پرداخت می‌کند تا آنکه در ماه مارس، بیمه جدید او برقرار می‌شود. در عین حال، بانک در این ماه، با درخواست برداشت بیمه‌گر سابق با مبالغی بیشتر از قبل (به دلیل افزایش میزان حق بیمه) مواجه می‌شود و آن را پرداخت می‌کند و برداشت‌ها به مدت یک سال دیگر هم ادامه می‌یابد تا آن که خواهان متوجه آن می‌شود و این بار پس از درخواست لغو پرداخت‌ها، بانک دیگر برداشت بیمه‌گر را مسدود می‌نماید. بر همین اساس، خواسته صاحب حساب یا بیمه‌گذار بازگرداندن مبالغ برداشتی غیرمجاز از حساب است.

در دادگاه، بانک مدعی شد که دلیل پرداخت، متفاوت بودن مبلغ خواسته شده از مبلغ موجود در دستور توقف است و همچنین خواهان متقاضی آن نبوده [و تأکید نکرده] که همه و تک‌تک^۲ پرداخت‌ها لغو گردد و در صورتی که صورت حساب خود را بررسی می‌نمود می‌توانست به این اشکال پی ببرد. با این حال، بانک نتوانست دستور توقف پرداخت را به دادگاه ارائه دهد و هرچند که خواهان بیان می‌کند که به دلیل زیاد بودن مبلغ موجود در حساب جاری خود و عدم ترس از کسری آن، معمولاً تنها در زمان

1. Bank Trust Co; 996 So. 2d 702 (La. Ct. App. 2008) Savoie v. St. Landry

2. any and all

برداشت مالیات، صورت حساب بانکی خود را بررسی می کرده است، دادگاه ضمن اینکه عملکرد او را تحت شرایط پیش گفته نامعقول نمی‌شناسد و ملاحظه عدم برداشت در ماه‌های ژانویه و فوریه نیز مزید بر علت بوده، خواهان را موظف به بررسی صورت حساب در هر ماه نمی‌داند و معتقد است این خوانده است که لازم بود در صورت تردید راجع به بقای دستور پرداخت، وضعیت را از خواهان جویا می‌شد. علاوه بر آن، دادگاه اظهارات او را مبنی بر قصد روشن وی بر توقف تمامی پرداخت‌های آتی و هدایت بانک در این جهت از طریق امضای دستور مربوط و پرداخت مبلغ یادشده، از قابلیت اقناع بیشتری برخوردار می‌داند. از این رو، وی را محق مبالغ کسر شده به انضمام مخارج و خسارات اعلام می‌نماید.

در اصلاحات سال ۱۹۹۶ مقررات E و پس از آن، بخش پرسش و پاسخ تفسیری که در قالب ضمیمه شماره ۲ آمده بود، حذف گردید. با این حال در اظهار نظر تفسیری راجع به حق مصرف‌کننده در توقف پرداخت، در تشابه با پرسش و پاسخ قبلی و عبارت پیشنهادی جهت اصلاح آن، به صورتی شفاف‌تر چنین آمده است: «... مؤسسه مالی باید دستور لغو پرداختی را که حداقل سه روز کاری پیش از یک انتقال بدهی برنامه‌ریزی شده انجام گرفته است، بپذیرد. در صورتی که [درخواست] انتقال نامبرده مجدداً ثبت گردد، مؤسسه باید همچنان به دستور لغو عمل کند (مثلاً از طریق معلق نمودن تمامی پرداخت‌های متعاقب مربوط به یک ذی‌نفع مشخص تا هنگامی که مصرف‌کننده (صاحب حساب) به مؤسسه اعلام نماید که پرداخت‌ها باید به روال سابق بازگردد). همین که به اطلاع مؤسسه مالی رسید که قرارداد مصرف‌کننده (صاحب حساب) دیگر معتبر نیست، باید تمامی پرداخت‌های آتی مربوط به انتقال بدهی خاص ارسالی از سوی ذی‌نفع (آغازکننده) را مسدود سازد ... [و] مؤسسه لازم نیست منتظر این بماند که ذی‌نفع، خود به انتقالات بدهی خودکار پایان دهد، [اما] می‌تواند احراز نماید که مصرف‌کننده، ذی‌نفع را از فسخ قرارداد یا لغو مجوز او آگاه نموده است (برای مثال، به وسیله الزام او به ارائه نسخه‌ای کتبی از فسخ قرارداد ظرف ۱۴ روز از اعلام شفاهی). چنانچه ظرف ۱۴ روز پیش گفته، تأییدیه کتبی الزامی صاحب حساب دریافت نگردد، مؤسسه می‌تواند انتقالات بدهی بعدی نسبت به حساب را پردازش نماید...».

به نظر می‌رسد واضح مقررات E (هم‌اکنون دفتر حمایت حقوق مالی مصرف‌کننده) تمایل داشته است ضمن عدم کاهش وسعت حقوق و اختیارات مصرف‌کننده صاحب حساب و پیش‌بینی امکان شناسایی و افتراق پرداخت‌های مجرد الکترونیک مربوط به یک دسته پرداخت بدهی خودکار در آینده، به مؤسسات مالی القا نماید که جهت به حداقل رسانیدن مسئولیت خود راجع به دستور توقف انتقال بدهی تأییدشده می‌توانند از صاحب حساب بخواهند به جای لغو مورد خاصی از مجموعه تراکنش‌ها، قرارداد خود را با ذی‌نفع به کلی فسخ نمایند و در صورت لزوم، قرارداد جدیدی را در زمان دیگر با وی منعقد سازند و از این

منظر، مشکلات اجرایی در این خصوص مرتفع گردد. هرچند امکان آن وجود دارد که با الزام ذی‌نفع، به ثبت دقیق شرح اطلاعات مربوط به برداشت، راهکار ساده‌تری جهت حل این مسئله فراهم آید.

دقت در پرونده دیگر مطروح در دادگاهی منطقه‌ای در آریزونا^۱ می‌تواند زوایای دیگری از بحث را روشن نماید. در این پرونده، خواهان به عضویت باشگاهی ورزشی درمی‌آید و جهت پرداخت حق اشتراک ماهانه استفاده از وسایل ورزشی، قراردادی با خوانده (باشگاه) منعقد می‌نماید که بر مبنای آن، امکان برداشت مبلغ عضویت به صورت انتقال بدهی خودکار از حساب او ایجاد می‌شود. در بخشی از قرارداد یادشده، خوانده موافقت می‌نماید که «در هر مورد راجع به فسخ قرارداد یا دستور توقف پرداخت که به قرارداد مربوط می‌شود با باشگاه تماس بگیرد تا [در صورت امکان]، پیش از اقدام... مسئله حل شود...».

حال، محل اختلاف در آن است که پس از ارسال رایانامه از سوی خواهان، مشعر بر آن که وی قصد لغو بلافاصله عضویت خود را دارد، در پاسخ، مدیر عمومی باشگاه به وی توضیح می‌دهد که دو امکان برای او وجود دارد: اول اینکه شخصاً به محل باشگاه برود و فرم لغو عضویت ویژه را تکمیل نماید و دیگر آنکه از طریق پست سفارشی^۲ درخواست لغو عضویت خود را ارسال نماید و این عمل را در اولین فرصت جهت عدم تضییع حقوق خود انجام دهد. خواهان به این رویه اعتراض می‌کند و ۴ روز بعد، عضویت او لغو می‌گردد و پس از مدتی دادخواستی علیه باشگاه، با ادعای تخطی خوانده از مقررات حمایتی قانون انتقال الکترونیک وجوه ثبت می‌نماید.

نظر دادگاه در پرونده یادشده، به تخلف مدعی علیه از طریق ایجاد مانع اضافی در قرارداد، در برابر مقررات امری و حقوق مصرف‌کننده ناشی از بند 1693e قانون انتقال الکترونیک وجوه که توقف پرداخت الکترونیک از پیش تأییدشده را از طریق اعلام شفاهی یا کتبی به مؤسسه مالی تا سه روز کاری پیش از تاریخ مقرر انتقال ممکن می‌داند، متمایل است و از این رو، در قرار، تقاضای رسیدگی اختصاری^۳ باشگاه (خوانده) را رد می‌کند. با این حال، ممکن است چنین تصور شود که میان توقف پرداخت به ذی‌نفع و فسخ قرارداد مبنای پرداخت‌ها تفاوت وجود دارد و خوانده نیز به شکل مستقیم، مانعی در برابر توقف پرداخت از سوی خواهان وضع نکرده^۴ و آنچه در قرارداد بر آن توافق شده، تشریفات جهت فسخ آن است که آن هم پس از تماس با باشگاه، بدون دشواری خاصی و از طریق ارسال نامه سفارشی و بدون در نظر گرفتن جریمه یا نیاز به عملی اضافی، ممکن بود.

1. Simone v. M&M fitness LLC (No. CV-16-01229-PHX-JJT D. Ariz. Apr. 10, 2017)

2. certified mail

3. motion for summary judgment

۴. در تأیید این مطلب می‌توان به این دو پرونده مرتبط توجه نمود:

Reid v. Commonwealth equity group LLC _ No. 17 Cv-3043 (C.D. Ill. Aug. 9, 2017)

Foreman v. Bank of America _ 401F Supp. 3d914 (N.D. Cal. 2019)

ماده ۳۱ «دستورالعمل» بیان می‌کند که «صادرکننده می‌تواند پیش از تاریخ مؤثر انتقالات، لغو دستور پرداخت را از مؤسسه مالی بخواهد. مؤسسه مالی مکلف است حسب درخواست صادرکننده نسبت به لغو دستور پرداخت اقدام نماید» و در بند ۱۲ ماده اول، صادرکننده را شخصی معرفی می‌کند که انتقال با تقاضای وی به صورت یک دستور پرداخت شکل می‌گیرد و در بند ۷ نیز تاریخ مؤثر در واقع تاریخی است که صادرکننده برای اجرای دستور پرداخت مشخص کرده است. از این رو، بر اساس آنکه شروع فرایند پرداخت و صدور دستور آن را در برداشت مستقیم از جانب ذی‌نفع بدانیم، تنها وی قادر خواهد بود که به شرط وجود فرصت کافی، لغو و توقف دستور پرداخت مربوط به یکی از مصادیق قرارداد برداشت مستقیم را تقاضا نماید و لذا، به نظر می‌رسد مقررۀ یادشده تنها برای واریز مستقیم مفید باشد و در نبود مقررات مشابه راجع به برداشت مستقیم، تنها راه موجود برای صاحب‌حساب، به‌ناچار آن است که قرارداد برداشت مستقیم را برهم زند یا از مزایای احتمالی پیش‌بینی‌شده در مفاد قرارداد مینا استفاده نماید.

در مورد ماهیت قرارداد مینای برداشت مستقیم، هرچند از برخی جهات می‌توان آن را با عقود معین همچون وکالت و حواله هم‌سو دانست، اما خصایص و آثار ویژه آن و اهداف و نیازهای موجود در مورد این روش پرداخت بانکی در شرایط اقتصادی کنونی، موجب می‌شود نتوان آن را به‌طور کامل در یکی از قالب‌های موجود نشانند و لذا باید آن را عقدی نامعین دانست که مفاد آن به‌طور کلی التزام صاحب‌حساب به اختیار ذی‌نفع برای برداشت مستقیم از حساب بانکی یا برای ذی‌نفع حق چنین برداشتی وفق شرایط مقرر و شروط ذیل قرارداد است. بر این اساس، ذی‌نفع در تمامی قراردادهای مشابه آتی بر طبق شرایط مقرر در قرارداد برداشت مستقیم و یا در صورت اطلاق قرارداد، در هر مورد که ذی‌نفع مطابق توافق لازم بداند، وی مأذون در برداشت از حساب معین می‌گردد. به لحاظ حقوقی، دستور پرداخت ناشی از قرارداد برداشت مستقیم که ذی‌نفع به بانک می‌دهد و می‌توان آن را نوعی انتقال بدهی از پیش تأییدشده دانست، ماهیت ویژه‌ای دارد. در این فرایند، گاه صاحب‌حساب و ذی‌نفع هر دو در یک بانک حساب دارند و گاهی بانک آن‌ها متفاوت است. در حالت پیچیده‌تری که بانک طرفین متفاوت باشد، تسویه اصولاً از طریق اتاق تهاتر بین بانکی (پایاپای حساب‌های مشترک) صورت می‌گیرد و در حالت یکسان بودن دو بانک، از آنجا که صاحب حساب قبلاً بر طبق یکی از قراردادهای تجهیز منابع قانون بانکداری بدون ربا، وجوهی را نزد بانک سپرده است و درحقیقت طلبکار بانک به‌شمار می‌رود، این امکان را دارد که در زمان نیاز، تمام یا بخشی از این وجوه را از بانک مطالبه نماید یا آن را به دیگری منتقل کند (عبدالهی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۲) و همین‌طور، با توجه به آنکه قبولی بانک در زمان پرداخت محرز نیست، عمل حقوقی صورت‌گرفته به انتقال طلب- که در آن متعهد (بانک) نقشی ندارد- شباهت دارد، هرچند اطلاع مدیون جهت اجرای تعهد لازم می‌نماید.

برخلاف حواله که در آن مجیل باید به محتال بدهکار باشد، در انتقال طلب نیاز نیست که منتقل‌الیه، دائن انتقال‌دهنده باشد و فرقی نمی‌کند که انتقال طلب، معوض یا مجانی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸:

۲۸ و ۴۰-۴۱)؛ پس بر پرداخت با انگیزه معنوی هم صدق می‌کند. همچنین، هرچند در انتقال طلب رضایت مدیون لازم نیست، اما به جهت ایجاد رابطه قراردادی میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده، رضایت هر دو لازم است که در پرداخت‌های رایج انتقال بدهی و یا واریز مستقیم^۱، لزوماً رضایت ذی‌نفع پیش از انتقال وجه تحصیل نمی‌شود؛ در صورتی که در برداشت مستقیم، فرایند انتقال وجه با دستور شخص ذی‌نفع آغاز می‌شود و به همین دلیل، رضایت او هم وجود دارد و می‌توان عمل حقوقی صورت گرفته را با توجه به إذن صاحب‌حساب، انتقال طلب دانست. در نتیجه، می‌توان ماهیت مصادیق پرداختی مبتنی بر قرارداد برداشت مستقیم را انتقال طلب تلقی نمود و با این وصف، مفهوم قرارداد برداشت مستقیم نیز التزام به اختیار ذی‌نفع در انتقال طلب صاحب‌حساب (از بانک) به خود، بر طبق شرایط مقرر میان طرفین خواهد بود.

راجع به وضعیت قرارداد برداشت مستقیم از حیث جواز و لزوم، سه دیدگاه وجود دارد: برخی آن را مطلقاً جایز می‌دانند (السان، ۱۳۹۵: ۱۵۰). چنین برداشتی شاید از آنجا نشئت می‌گیرد که این گروه تمامی انواع نمایندگی و اعطای نیابت را تابع عقد وکالت می‌دانند (زینالی، ۱۴۰۰: ۶۳) و به نظر آنها تمامی عقود ناشی از إذن، جایز است. همچنین گمان می‌شود بدون توجه به سودمندی این خواسته، تا حد امکان باید کوشید تا قراردادها را با یکی از عقود معین تطبیق نمود و تحت آن جای داد (قنبرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۷)؛ حال آنکه باید دانست که قلمرو نیابت قراردادی وسیع‌تر از وکالت است (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۵) و نیز عقود همچون سکنی و عمری و رقبی وجود دارد که در شمار عقود اذنی قرار می‌گیرند، اما می‌توان آنها را لازم محسوب نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). همین‌طور، فقه امامیه إذن به انجام کاری را از توکیل در اجرای آن جدا می‌کند و حتی برخی از فقیهان امامیه بر این باورند که چنانچه ایجاب به صراحت بر وکالت دلالت نکند، عقد وکالت تحقق نمی‌یابد. چنان که گفته‌اند شخص به دیگری که تو در انجام امری از طرف من وکالت داری، با این سخن که به تو در انجام امری / إذن دادم، با هم تفاوت دارد و بیان اخیر اگرچه بر مآذونیت دلالت دارد، اما بنابر لزوم صراحت در ایجاب، وکالت شمرده نمی‌شود (علامه حلی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۱۱۴؛ فصیحی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۴-۵۵). علاوه بر این، تطبیق ماهیت قراردادهای نوین با عقود معین به جهت شناخت بهتر آثار آنان است، نه آنکه این امر ذاتاً مرجح باشد؛ ولو با گنجاندن آن‌ها در قالب عقود مرکب (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۰: ۱۰۶). در واقع، می‌توان گفت هدف از تصویب ماده ۱۰ قانون مدنی این بوده است که در موارد اجمال و سکوت قانون، اراده متعاملان محترم شمرده شود و از این لحاظ، میان عقود معین و سایر قراردادها هیچ تفاوتی نباشد و نهایتاً باید افزود که حتی در مورد عقد وکالت هم به نظر می‌رسد برخی از استادان قائل به امکان درآوردن آن به صورت عقد لازم با اعلام سقوط حق عزل یا استعفا ضمن آن هستند و نیز بر این باورند که گرچه عزل وکیل حق

موکل است، اما این حق نباید ابزار موکل برای اضرار به وکیل قرار گیرد و موجب سوءاستفاده شود. لذا، در صورتی که موکل از حق عزل خود سوءاستفاده کند و وکیل را نابهنگام عزل کند، یعنی عزل وی ناروا باشد، به‌ویژه چنانچه به قصد اضرار به او صورت گیرد، در برابر وکیل مسئولیت مدنی دارد و مشابه همین مطلب راجع به استعفای نامتعارف و نابهنگام وکیل هم آمده است^۱ (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۴: ۱۸۴-۱۸۶؛ صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۱: ۱۸۱ و ۱۹۲) که نشان از گستردگی انواع و موضوعات نیابت دارد و ضرورت دقت مضاعف در قالب‌ها را می‌نمایاند.

دو دیدگاه دیگر بر لزوم قرارداد برداشت مستقیم بنا نهاده شده است؛ با این تفاوت که می‌توان آن را نسبت به یکی از طرفین قرارداد و یا از هر دو طرف لازم دانست. به‌طور کلی، در تمامی نظام‌های حقوقی، اصل بر آن است که هر قرارداد تشکیل‌یافته باید اجرا شود و هیچ‌یک از طرفین آن نمی‌توانند جز در موارد استثنایی از زیر بار تعهدات آن شانه خالی کنند؛ چنان‌که ماده ۲۱۹ قانون مدنی می‌گوید: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» و یا ماده ۱۱۹۳ قانون مدنی فرانسه تأکید می‌نماید که قراردادهای تنها از طریق رضایت مشترک طرفین آن‌ها یا تحت مجوز قانونی قابل فسخ یا تغییر هستند. چنین بیانی حاکی از قاعده‌ای پذیرفته‌شده به نام «اصل لزوم» است که بر مبنای آن هر عقد که انشا می‌شود باید اجرا شود، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد؛ یعنی ثابت شود که قانوناً قابل فسخ است. بنابراین، در مواردی که وضعیت جواز و لزوم عقدی مورد تردید باشد، می‌توان با استناد به این اصل، آن را لازم انگاشت.

با این حال، برای تحلیل بهتر موضوع، باید دید کدام یک از طرفین قرارداد برداشت مستقیم از انعقاد آن بهره می‌برند و چنانچه تعهد تنها به نفع یک طرف باشد، نسبت به جواز عقد از سمت او نظر داد. ممکن است در ابتدا تصور شود که برقراری برداشت مستقیم، تنها به سود ذی‌نفع است و او عوض خدمات مستمر و یا طلب خود را از طریق آن وصول می‌نماید، پس وی حق دارد قرارداد را برهم زند. اما همان‌گونه که ذی‌نفع از حق دسترسی اصولاً مستمر به حساب مشتری برای وصول مطالبات خود استفاده می‌کند، صاحب حساب نیز می‌تواند مطمئن باشد که در صورت تأمین وجه در حساب خود، نیازی به مراجعه به خدمات‌دهنده ندارد و بدون استفاده از ابزار خاصی، وجوه تقسیط یا توافق‌شده او به صورت خودکار از حساب کسر می‌گردد. به همین دلیل، نمی‌توان او را به لحاظ مالی منتفع از قرارداد ندانست و برای ذی‌نفع اصلی پرداخت‌ها مطلقاً حق فسخ قائل شد. مصالح اجتماعی جز در جایی که مخالف قانون باشد، ضرورت بقای روابط ناشی از عقود را دارد و از این رو، هنگام تردید، در هر جایی که نهاد عقد نوعاً اقتضای لزوم آن را داشته باشد می‌توان آن را لازم محسوب نمود. برای نمونه، سپرده ثابت بانکی با آن

۱. این مطلب به نحوی در ماده ۲۰۰۷ قانون مدنی فرانسه هم آمده است.

که می‌توان آن را ودیعه یا مضاربه محسوب نمود، اما توافقی لازم به‌شمار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۴۴ و ۲۸۲-۲۹۳). همین مسئله موجب شده است قانون نظام‌های پرداخت مالی عمان^۱ مصوب ۲۰۱۸ امکان برقراری برداشت مستقیم به شکل غیرقابل فسخ را نیز به رسمیت بشناسد و حتی در ماده ۶۳ آن، برای کسی که عمداً از طریق عدم تأمین موجودی یا دستور بلاوجه نسبت به عدم پرداخت، از برداشت مستقیم غیرقابل فسخ جلوگیری کند، مجازات تعیین شده است. این موضوع آن را به لحاظ ضمانت اجرا با امتیازی مشابه چک در کشورمان همراه می‌کند و التزام به آن را مستحکم می‌گرداند؛ هرچند در این قانون به امکان انعقاد قرارداد به شکل قابل فسخ نیز اشاره شده است. اما در صورت غیرقابل فسخ بودن، تنها تراضی طرفین است که امکان تغییر در اجرای قرارداد یا اقاله را ممکن می‌سازد. در «قرارداد نمونه» نیز قید «بروز هرگونه اختلاف بین مشتری و پذیرنده، یا هرگونه تغییر در شرایط برداشت مذکور طی دوره زمانی یعنی از زمان ثبت مجوز برداشت مستقیم بدهی از حساب توسط مشتری تا زمان برداشت مستقیم وجه بدهی از حساب توسط پذیرنده، مانع انتقال وجه از حساب مشتری به حساب پذیرنده نمی‌گردد»، ظاهراً نشانه تمایل بانک به تأکید ضمنی بر لزوم این قرارداد^۲ است و البته همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، چنانچه توافقی مستقل میان صاحب حساب و ذی‌نفع راجع به این موضوع و شرایط آن موجود باشد، معتبر و لازم‌الوفاء خواهد بود.

۵. اعلام تغییر در مبلغ پرداخت

یکی از توابع مهم انواع پرداخت‌های بانکی، اعلامیه‌هایی است که عمدتاً از سوی مؤسسات مالی برای طرفین پرداخت ارسال می‌گردد و روند و وضعیت پرداخت را برای آنان روشن و قابل نگهداری می‌نماید. با این حال، در انتقال بدهی از پیش تأییدشده به علت ماهیت و صورت خاص آن، نوع ویژه‌ای از اعلان نیز از اهمیت افزون برخوردار است. اعلام تغییر در مبلغ و میزان برداشت از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند در تصمیم صاحب حساب مبنی بر فسخ قرارداد و یا توقف موردی از پرداخت‌ها مؤثر باشد.

بند 105.10(d)(1) از مقررات E در تطابق با قانون انتقال وجوه الکترونیک امریکا^۳ بیان می‌کند که «در صورت متفاوت بودن مبلغ تراکنش انتقال بدهی الکترونیک از پیش تأییدشده با مبلغ برداشتی سابق از حساب مصرف‌کننده مربوط به قرارداد یکسان و یا مبلغ مشخص تعیین شده در قرارداد، ذی‌نفع و یا مؤسسه مالی او باید حداقل ده روز پیش از آن، اعلانی کتبی را حاوی مبلغ یادشده و زمان برداشت آن

۱. قانون نظم المدفوعات الوطنیه

۲. چنانچه قرارداد یادشده را واریز مستقیم بدانیم، یکی دیگر از چالش‌های عدم تطابق عنوان آن با ماهیت قرارداد (به لحاظ جواز و لزوم) معلوم می‌شود.

3. 15 USC § 1693e(b)

برای صاحب حساب ارسال نمایند» که مشابه همین مطلب در بند 2.3.2.6.(a) از مقررات نچا هم آمده است؛ با این تفاوت که در بند یادشده به صورت مستقیم از مسئولیت ذی نفع پرداخت در ارسال اعلان تغییر مبلغ، سخنی به میان نیامده و به جای آن آغازکننده مسئول شناخته شده است. در واقع، همچون در احراز وجود قرارداد معتبر، در اینجا هم بر اساس بند 2.4.1.2 همان مقررات، مؤسسه مالی ذی نفع آغازکننده از جانب او تضمین می نماید که ذی نفع پذیرفته است که سازگار با مقررات رفتار نماید و مطابقت عمل او را برعهده گیرد؛ هرچند، امکان درج شرط عدم مسئولیت مؤسسه مالی در توافق او با ذی نفع پرداخت، مورد بحث است.^۱ همچنین، هردو- مقررات E و مقررات عملکرد نچا- بر عدم شناسایی مسئولیت مؤسسه مالی صاحب حساب (گیرنده) راجع به ارسال اعلان مورد اشاره اتفاق دارند.^۲

گرچه ذی نفع یا مؤسسه مالی او لازم است صاحب حساب را از حق او در دریافت تمامی اعلانات مربوط به تغییرات مبلغ برداشتی آگاه سازند، اما می توانند به او پیشنهاد دهند که بپذیرد تنها اعلانات تغییر مبالغی را دریافت کند که از حد مشخصی فراتر رود و یا از مازاد از پیش تعیین شده از سوی صاحب حساب بیشتر باشد^۳؛ چنین اختیاری می تواند موجب کاهش هزینه های ذی نفع و نیز جلوگیری از دریافت اطلاعاتی غیرضروری از سوی صاحب حساب گردد و از این جهت، خصوصاً در پرداخت های پرتغییر، همچون مبالغ مربوط به قبوض خدمات عمومی و یا ارسال کالاهای تکراری، مفید خواهد بود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که هنگام ارائه حدود قابل تغییر مبلغ که در آن نیازی به اعلان جداگانه نیست، لازم است بازه ای از جانب ذی نفع یا مؤسسه مالی پیشنهاد گردد که از سوی صاحب حساب قابل پیش بینی و مورد انتظار باشد. چنین محدوده ای می تواند اختلاف قیمت گازبها در بیشترین میزان خود در نیمه زمستان و کمترین آن در نیمه تابستان باشد^۴ و یا در صورتی که مربوط به برداشت ماهانه جمع مبالغی روزشمار باشد، محدوده آن بر اساس حداقل و حداکثر تعداد روزهای یک ماه (۲۸ یا ۳۱ روز) در نظر گرفته می شود.^۵

علاوه بر تغییر در مبلغ برداشتی، اطلاع از تغییر در تاریخ برداشت های منظم نیز به جهت تأثیر بر توجه مصرف کننده به موجودی حساب و تأمین مبلغ مورد نظر و در نهایت موفقیت تراکنش مربوط، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا، بند 2.3.2.6.(c) از مقررات عملکرد نچا بیان می نماید که «آغازکننده ای که در تاریخ تعیین شده برداشت از حساب تغییر ایجاد می کند، باید اعلانی کتبی را مشتمل بر تاریخ جدید به صاحب حساب ارسال نماید» و فرصت این عمل نیز حداقل ۷ روز پیش از اجرای

1. Federal Register, vol 44, no 200, Monday, October 15, 1979, p. 59467

2. official interpretation of § 1005.10(d)(1)

3. § 1005.10(d)(2)

4. official interpretation of § 1005.10(d)(2).1

5. official interpretation of § 1005.10(d)(2).2

تراکنش با تاریخ تغییر یافته است. همچنین، در انتهای مقرر یادآور شده است در صورتی که تغییر در زمان تراکنش ناشی از تعطیلات هفتگی یا رسمی سالیانه باشد، الزام یاد شده راجع به آن وجود نخواهد داشت.

بند ۲۱ از ماده اول «دستورالعمل»، در تعریف برداشت مستقیم، آن را دستور پرداخت از پیش تأیید شده‌ای توصیف می‌کند که با اعلام ذی‌نفع آغاز می‌شود و در خصوص دستور پرداخت از پیش تأیید شده نیز در بند ۱۹ همان ماده گفته شده که «عبارت است از دستور پرداختی که طی آن صادرکننده به مؤسسه مالی خود اجازه می‌دهد در تاریخ مؤثر انتقال یا انتقالات و به ترتیبی که در دستور پرداخت مشخص شده است، بدون کسب مجوز دیگر یا اطلاع قبلی، از حساب وی برداشت کند». همچنین، ماده ۱۷ «دستورالعمل»، جزئیات انتقالات مندرج در یک دستور پرداخت را به چهار شکل واحد، مستمر محدود، نامعین (و مستمر محدود)، نامعین و (مستمر) نامحدود، محصور نموده است. در این صورت و با قید لزوم ذکر یک مبلغ انتقال و تاریخ مؤثر آن برای پرداخت واحد، می‌توان گفت که برداشت مستقیم تکی به مبلغ نامشخص از قبل و یا در زمان نامعین در این «دستورالعمل» پیش‌بینی نشده است؛ آن‌چنان که برداشت مستقیم از نوع مستمر (و معین) نامحدود نیز در این قالب متصور نیست. بدین‌سان، به‌نظر می‌رسد در پرداخت‌های طولانی‌مدت که اصولاً به شکل نامحدود باید تنظیم شوند، امکان تعیین مبلغ لحاظ نشده است تا تغییر در آن با چالش الزام یا عدم الزام ذی‌نفع به اعلام تغییرات روبه‌رو گردد؛ خصوصاً که در هیچ‌یک از صور تعیین شده، امکان متغیر دانستن تاریخ مؤثر انتقالات پیش‌بینی نشده است و از این رو، می‌توان گفت تغییر در بازه زمانی پرداخت‌ها نیز مجاز نخواهد بود. با این همه، در حال حاضر، عموماً و در عمل، پیش از تمامی مصادیق برداشت از حساب، چه نسبت به مورد سابق ثابت مانده باشد و چه مبلغ آن تغییر کرده باشد، صاحب حساب با دریافت پیامک یا اعلامیه‌ای از آن مطلع می‌گردد؛ همچنان که در «قرارداد نمونه»، بانک با پیش‌بینی ضرورت ثبت شماره تلفن همراه مشتری، اطلاع‌رسانی راجع به وضعیت پرداخت را تسهیل نموده است؛ گرچه به‌نظر می‌رسد امکان انتخاب روش اعلان را از وی سلب کرده، اما در راستای آن، و مواد ۲۶ و ۲۹ «دستورالعمل» و نیز افزایش احتمال موفقیت پرداخت‌ها گام برداشته است.

قید دیگری که در «دستورالعمل» صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه به چشم می‌خورد، به ماده ۳۷ آن مربوط است که بیان می‌دارد: «انتقال در دستور پرداخت‌های برداشت مستقیم و واریز مستقیم تنها از طریق موجودی حساب قابل انجام است». چنین محدودیتی با عدم امکان در نظر گرفتن ویژگی برداشت مازاد یا «اوردرافت»^۱ نسبت به حساب مصرف‌کننده متناظر است. در صورتی که قابلیت اوردرافت برای حساب فعال باشد، این امکان وجود دارد که در صورت نیاز و عدم تکافو نسبت به بدهی، تا مبلغ معینی مازاد بر موجودی

حساب، برداشت شود. در نتیجه، چنین تمهیدی موجب کاهش موارد عدم موفقیت پرداخت به دلیل کسری موجودی و نیز امتیاز دیگر و ضمانت اجرای مستحکم‌تری برای برداشت مستقیم نسبت به موارد مشابه، همچون صدور چک خواهد شد و شایسته است ضرورت آن مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

برداشت مستقیم، شیوه‌ای نوین برای تسهیل پرداخت‌های مکرر و با مبالغ قابل تغییر و به‌طور کلی انواع انتقال وجه بدهی است که به دلیل ارتباط با حساب و کسر مستقیم وجوه از حساب بانکی (یا مفتوح در مؤسسه مالی مشابه)، از امنیت و نیز انعطاف خوبی برخوردار است. مزایای این روش پرداختی را می‌توان مبتنی بر قراردادی دانست که از قبل میان صاحب‌حساب و ذی‌نفع مصادیق پرداخت منعقد می‌شود و بر طبق توافق او را مختار در برداشت از حساب می‌سازد، بدون آنکه نیاز به إذن مجدد از سوی صاحب آن باشد. اما قرارداد برداشت مستقیم غالباً با متنی آماده و با ایجاب از سوی ارائه‌دهنده کالا و خدمات و بدون مذاکره راجع به جزئیات مفاد آن و قبول مصرف‌کننده خدمات منعقد می‌گردد. به همین سبب و در این شرایط می‌توان آن را در دسته عقود تحمیلی یا الحاقی جای داد که چنین طبیعتی ضرورت حمایت بهتر از طرف ضعیف‌تر و یا در معرض آسیب محتمل را نشان می‌دهد. در حقوق ایران، هرچند مقررات موجود در حمایت از مصرف‌کننده طرف قرارداد برداشت مستقیم، به صورت پراکنده و کلی است و نیاز به تدوین مقرراتی جامع و خاص در این خصوص وجود دارد، اما احکام موجود تا حدود زیادی تأمین‌کننده منافع هر دو طرف قرارداد هستند و آنها می‌توانند بر حسب کاربرد و میل خود، شروط مناسب را به قرارداد بیفزایند و مفاد آن را در جهت منافع خود محدود نمایند. توجه به مقررات کشور آمریکا همچون قانون انتقال الکترونیکی وجوه و مقررات E که اقتضائات خاصی را راجع به موضوع دربر دارد، می‌تواند در این زمینه مفید واقع شود و امکان تحلیل بهتر آن را به‌دست دهد.

در نظام حقوقی آمریکا، انعقاد معتبر قرارداد مجوز مصادیق برداشت، از سوی ذی‌نفع با مصرف‌کننده صاحب‌حساب، الزاماتی همچون کتبی بودن قرارداد یا در حکم آن، درج امضای مصرف‌کننده، آمادگی ذی‌نفع جهت تحویل یک نسخه از قرارداد به وی و نیز شفافیت و عدم ابهام مفاد قرارداد را دربر دارد. حال آنکه در حقوق ایران، اصل بر رضایی بودن عقود است و امکان تشکیل قرارداد به شیوه‌های مختلف از جمله شفاهی بودن وجود دارد؛ با این قید که تحصیل متقربانه قرارداد و یا از طریق تبلیغات غیرواقعی و سوءاستفاده از مزایای بسترهای الکترونیکی ثبت قرارداد برای مخفی کردن هویت شخص موجب یا مفاد واقعی ایجاب، معتبر نخواهد بود. از بررسی قرارداد نمونه برداشت مستقیم از طریق یکی از بانک‌های داخلی نیز به‌نظر می‌رسد آنچه که در حال حاضر در کشور ما تحت عنوان خدمات برداشت مستقیم ارائه می‌شود، به‌نوعی واریز مستقیم است که بانک را تا حدود زیادی از خطر برقراری غیرمجاز و نامعتبر این

خدمات می‌رسانند. در مقابل، در امریکا تحت مقررات عملکردی نچا، مسئولیت اطمینان از اجرای صحیح قرارداد و عملکرد مطابق مقررات ذی‌نفع، با مؤسسه مالی (ذی‌نفع) آغازگر است که اعتماد به این روش پرداختی را به نحو مطلوبی افزایش می‌دهد و به رواج آن به میزان قابل توجهی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، در حقوق امریکا در عین حال که بانک یکی از طرفین قرارداد محسوب نمی‌شود، نقش فعالی در اجرای آن و به حداقل رسانیدن تبعات منفی تقلب در تحصیل قرارداد برداشت مستقیم برای مصرف‌کننده و جبران ضرر وی دارد.

در نظر گرفتن امکان توقف بدون شرط پرداخت‌ها از سوی مصرف‌کننده در بازه زمانی کافی برای لغو آن از سوی مؤسسه مالی و لزوم اعلام تغییر در مبالغ و زمان برداشت از سوی ذی‌نفع، از موارد دیگری است که از مقررات امریکا راجع به موضوع برمی‌آید. اما قرارداد برداشت مستقیم در ایران، اصولاً عقدی لازم محسوب می‌شود و در غیاب مقررۀ قانونی راجع به چگونگی توقف برداشت مستقیم از سوی صاحب‌حساب، لازم است طرفین عقد بندی را به این موضوع اختصاص دهند و متناسب با کاربرد خود، شرط فاسخ یا خیار را برای یکی از طرفین و یا هردو در عقد مبنا بگنجانند تا در موارد نیاز، بدون بروز اختلاف و سرگردانی یکی از طرفین، موضوع حل‌وفصل گردد. توجه به این مطلب نیز مفید خواهد بود که هرچند در حقوق امریکا، تقاضای توقف مصادیق برداشت مستقیم از بانک از جانب مصرف‌کننده صاحب‌حساب به سهولت امکان‌پذیر است، اما چنین نیست که مصرف‌کننده بدون هیچ علتی قادر به برهم زدن روند برداشت‌ها باشد و برای وی عواقبی در پی نداشته باشد، بلکه بر حسب کاربرد، این امر می‌تواند از اعتبار مالی او بکاهد؛ چنان‌که مثلاً لغو برداشت مستقیم مربوط به تسویه اقساط وام می‌تواند به کاهش امتیاز شخص متقاضی توقف پرداخت در فهرست اعتبارسنجی مربوط به او در مؤسسات مرتبط منجر گردد. در نهایت توصیه می‌شود در ایران با به‌روزرسانی دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه و یا تدوین مقررات مستقل مربوط، تکلیف سایر موارد مورد ابهام، از جمله ضرورت ارسال اعلامیه تغییر در برداشت به صاحب‌حساب و نیز حدود و تنوع صور ممکن به‌کارگیری برداشت مستقیم در معاملات و از آن مهم‌تر، تعریف و حدود مسئولیت مؤسسات مالی درگیر و فرایند شفاف عملکرد آنها روشن گردد و به این طریق از مزایای آن به نحو مطلوب‌تری بهره برده شود.

منابع

الف) فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *فلسفه حقوق مدنی*. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *عقد حواله*. چاپ دوم. تهران: گنج دانش.
۳. جلالی، مریم؛ الشریف، محمدمهدی؛ فصیحی‌زاده، علیرضا و جلالی، محمود (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی وقوع

- اشتباه انسانی یا خطای فنی در پرداختهای مبتنی بر کارت بدهی در حقوق ایران و امریکا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۸ (۲)، ۵۴۵-۵۶۴.
۴. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷). شرط قصد و ابراز صریح آن در قرارداد الکترونیکی از منظر فقه اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۸ (۷۰)، ۲۰۵-۲۲۴.
۵. خدانی، سید پدram (۱۳۸۵). *حمایت از مصرف‌کننده در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ با توجه به حقوق روز اتحادیه اروپا*. رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۶. خورسندیان، محمدعلی و شنیور، قادر (۱۳۹۰). ماهیت عقد مرکب در فقه و حقوق موضوعه. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۳ (۴)، ۸۷-۱۱۰.
۷. دارابپور، محمدرضا (۱۴۰۲). *متاورس؛ چیستی و چالشهای حقوقی*. حقوق فناوریهای نوین، ۷ (۴)، ۶۶-۸۱.
۸. زینالی، علی (۱۴۰۰). *ماهیت حقوقی نمایندگی در ایران*. تهران: مهر کلام.
۹. السان، مصطفی (۱۳۹۵). *حقوق بانکی*. چاپ پنجم. ویراست دوم. تهران: سمت.
۱۰. صفایی، سید حسین (۱۳۹۹). *حقوق مدنی (ج ۲): قواعد عمومی قراردادها*. چاپ بیست و سوم. تهران: میزان.
۱۱. صفایی، سیدحسین و جواهر کلام، محمدهادی (۱۴۰۱). *حقوق مدنی پیشرفته: نمایندگی و امانت (ج ۲)*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. عبدالهی، محبوبه (۱۳۹۶). *مسئولیت حقوقی بانکها در تراکنشهای الکترونیکی وجوه*. چاپ اول. تهران: خرسندی.
۱۳. فصیحی‌زاده، علیرضا (۱۳۷۷). *اِذْن و آثار حقوقی آن*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. قنبرزاده، محمد؛ ایزدی‌فرد، علی اکبر و ابراهیمی، سعید (۱۴۰۰). بررسی فقهی ماهیت قرارداد اشتراک تلفن ثابت پس پرداخت. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۳ (۲۴)، ۲۶۱-۲۸۸.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). *قواعد عمومی قراردادها*. چاپ اول. تهران: بهنشر.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *عقود معین*. چاپ دوازدهم. تهران: گنج دانش.
۱۷. مظاهری، رسول و خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷). *قراردادهای الکترونیکی از دیدگاه فقه و حقوق*. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ب) عربی

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ق). *تذکره الفقهاء*. جلد دوم. تهران: مکتبه المرتضویه.

ج) انگلیسی

1. Baker, Donald I.; Brandel, Roland E. & Pannabecker, James H. (2021). *The Law of Electronic Fund Transfer Systems*. volume one. NYC: LexisNexis.
2. Benson, Carol Coye; Loftesness, Scott & Jones, Russ (2017). *Payments Systems in the U.S.* . third edition. San Francisco: Glenbrook.

3. Bernstein, Jodie (1996). Demand Draft Fraud: The House Banking Committee, Washington <https://www.ftc.gov/news-events/news/speeches/demand-draft-fraud> .
4. Geva, Benjamin (2015). From Paper to Electronic Order: The Digitalization of the Check in the USA. *Penn State Journal of Law and International Affairs*, 4 (1), 96-126.
5. Hal, Scott (1985). Consumer Protection and Payment Systems: Regulatory Policy for the Technological Era. *Harvard Law Review*, 98 (8), 1870-1889.
6. Jans, Jan Anton (2023). Towards a Level-playing Field Between Banks and non-Banks in the European Market for Electronic Payments. *PhD. Thesis*. Amsterdam: Vrije Universiteit, Faculty of Law.
7. Kisswani, Nazzal M. & AlBakri, Anas A. (2010). Regulating the Use of Electronic Signatures Given the Changing Face of Contracts. *macquarie journal of business law*, 7 (53), 53-65.
8. Liébana-Cabanillas, Francisco; Muñoz-Leiva, Francisco ;Sánchez-Fernández, Juan & Martínez-Fiestas, Myriam (2014). *Electronic Payment Systems for Competitive Advantage in E-Commerce*. USA: IGI Global.
9. Mason, Stephen (2016). *Electronic Signatures in Law*. fourth edition. UK: Institute of Advanced Legal Studies, University of London.
10. Nabi, Zaakirah (2023). What Are My Legal Obligations When Setting Up Direct Debit Payments in NZ? : LegalVision New Zealand. <https://legalvision.co.nz/e-commerce/direct-debit-payments/> .
11. Simatele, Munacinga & Mbedzi, Edson (2021). Consumer Payment Choices, Costs, and Risks: Evidence from Zimbabwe. *Cogent Economics & Finance (Taylor & Francis)*, 9 (1), 1-23.
12. Stern, Jonathan E. (2001). The Electronic Signatures in Global and National Commerce Act. *Berkeley Technology Law Journal*, 16 (1), 391-414.
13. Tompkins, Michael; Jafri, Sajjad & Arjani, Neville (2015). The Role of Automated Funds Transfer Payments in Canada's Declining Use of Cheques: Canadian Payments Association. <https://payments.ca/insights/research/role-automated-funds-transfer-payments-canadas-decline-use-cheques>.
14. Veltri, Stephen C.; Adams, Marina I. & Turner, Paul S. (2005). Payments. *The Business Lawyer*, 60 (4), 1669-1697.
15. Vergari, James V. (1980). Articles 3 and 4 of the Uniform Commercial Code in an Electronic Fund Transfer Environment. *San Diego Law Review (downloaded from HeinOnline)*, 17 (2), 287-308.
16. Zhou, Yiwen; Zheng, Jianbin; Hu, Huacheng & Wang, Yizhen (2021). Handwritten Signature Verification Method Based on Improved Combined Features. *Applied Sciences*, 11 (13), 1-14.